

مبانی تقریب در اندیشه امام خمینی (ره)

ملیحه نیکروش رستمی^۱

مقدمه

یکی از مواهب و نعمت‌های بزرگ الهی، مسئله وحدت و همبستگی انسانی است که از مهم‌ترین مقاصد مهم شریعت‌های آسمانی و ره‌آوردها و فرامین عقلی بشر، محسوب می‌شود. این نعمت بزرگ عقلی و موهبت بزرگ شرعی، مقصد و مقصود تمام پیامبران الهی و رهبران دین آسمانی اسلام و مصلحان بزرگ بشر بوده است.^۲ پیامبر اکرم (ص) در مسیر تثبیت همبستگی و وحدت بین مسلمین بسیار تلاش کردند و بر آن تأکید فراوان داشتند. وحدت امت اسلامی، رعایت اصل اخوت دینی و احترام به سایر مذاهب و پیروانشان، در قرون طلایی و اولیه اسلام، بسیار برجسته و نمایان بوده است و به رغم تنش‌های سیاسی آن روزگار و کشمکش‌های کلامی و فقهی، اصول فوق همیشه سرلوحه فعالیت‌های علمی،

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. محمدحسین جمشیدی، «چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه متین، ش ۲۷، ۱۳۸۴، ص ۵۲-۵۱.





فرهنگی و سیاسی اندیشمندان و روشنفکران بوده است. در ابتدای امر، بزرگان دین به چیزی جز «امت واحد» نمی‌اندیشیدند و تنوع و تعدد و بلکه اختلاف را چیزی جز اقتضای گسترش دین و ملزوم رحمت خداوند متعال نمی‌دانستند.^۱ اما از آنجا که آموزه اسلام مبنی بر وحدت مسلمانان، عزت اسلامی را در پی دارد، همواره دشمنان قسم خورده اسلام برای از بین بردن این وحدت و عزت اسلامی تلاش کرده و با انواع حيله‌ها، از آغاز نبوت تا امروز قصد داشتند با ایجاد تفرقه میان مسلمین از رشد قدرت اسلام جلوگیری کنند. یکی از روش‌های دشمنان جهت تفرقه و اختلاف میان مسلمانان، اختلاف انداختن میان پیروان مذاهب اسلامی است. اختلاف انداختن میان مذاهب اسلامی و پیروان آنها، از روزی که این مذاهب شکل گرفته‌اند، همواره در برنامه‌های اساسی دشمنان اسلام قرار داشته است. دشمنان اسلام همواره کوشیده‌اند تا با مبنا قرار دادن شعار «فرق تَسُد» (تفرقه بینداز و حکومت کن)، جماعت مسلمانان را پراکنده کنند و از ضعف حاصل از آن نهایت استفاده را ببرند و از منافع آن بهره‌برداری کنند. از سوی دیگر، از قدرت گرفتن ایشان جلوگیری کنند.^۲ متفکران جهان اسلام، ضرورت همبستگی میان مسلمانان را احساس کردند و ندای اتحاد در برابر استعمارگران و بیکره پاره‌پاره جهان اسلام سر دادند. در روزگاری که عزت، شوکت و اقتدار مسلمانان نابود شده بود و ثروت و امکانات و منابع مسلمانان به تاراج می‌رفت، بسیج و وحدت همه نیروهای مسلمان یک عمل ضروری محسوب می‌شد.^۳ یکی از تأثیرگذارترین رهبران وحدت‌طلب و پیشوایان اصلاح‌گرای معاصر، امام خمینی (ره) است. او نیز همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، بنیانگذار حرکت اصلاحی و وحدت‌طلبی، از برجسته‌ترین منادیان همبستگی و انسجام اسلامی به شمار می‌رود. در نگاه امام خمینی (ره) تعالیم اسلامی بر محوریت امت اسلامی و برادری و برابری اسلامی استوار است. وی تعدد و اختلاف و دشمنی را در جامعه اسلامی از دسیسه‌های استعمار و قدرت‌های جهان‌خوار می‌داند. امام خمینی (ره) سخت معتقد به وحدت مسلمانان - با قطع نظر از گرایش‌های مذهبی آنان - در مقابل استعمارگران و دشمنان اسلام بود و وحدت اسلامی را رمز پیروزی و موفقیت مسلمانان می‌دانست. و هر حرکتی را که به تفرقه و تشتت صفوف مسلمانان و بهره‌برداری و استیلاستعمارگران می‌انجامید، محکوم می‌کرد و با صدور فتاوی‌ای تقریب‌گرایانه و پیام‌های

۱. رحیم خاکپور، «نمودی از هم‌گرایی مذاهب اسلامی در اعتماد محدثان اهل سنت به راوی شیعی عبّاد بن یعقوب»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۱، ش ۴۳، بهار ۱۳۹۵، ص ۶۱.
 ۲. باقر گرگین، «رادمردان تقریب (قسمت دوم)»، فروغ وحدت، ش ۹، پاییز ۱۳۸۶، ص ۵۸.
 ۳. محمدطاهر اقبالی، «برداشت‌های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی»، طلوع، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۱۵ و ۱۲۱.

پیایی راه‌های عملی وحدت شیعه و سنی را بیان می‌نمود.^۱ انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، اندیشه تقرب بین مذاهب اسلامی و وحدت سیاسی جوامع رازنده کرد و آن را عاملی مؤثر در برابر تهدیدات دشمنان جهان اسلام دانست. حضرت امام (ره)، حتی بر نامه این انقلاب را وحدت بین مسلمانان جهان مطرح کردند:

برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان...^۲

این موضوع، در طول دوران فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و سیاسی این بزرگوار مورد تأکید بود:

ما، سال‌های طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم، هم‌قدم و هم‌کلام و مجتمع کنیم، برای این که تمام گرفتاری‌هایی که مسلمین دارند و به دست قدرت‌های اجنبی... اینها، کوشش کرده‌اند خودشان و عمالشان به اینکه تفرقه بین مسلمین ایجاد کنند... مسلمین باید دید واحد بر ماسوایشان باشند.^۳

در این مقاله تلاش بر این خواهد بود تا مبانی تقرب در اندیشه امام خمینی (ره) به عنوان یکی از عالمان منادی وحدت و تقرب بین مذاهب و ادیان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

نگاه اجمالی به مفهوم تقرب مذاهب اسلامی و پیشینه‌های تاریخی آن در دوره معاصر

در فرهنگ لغت، تقرب از ریشه «قرب» ضد «بعد» و به معنای «دُنُو» و نزدیک کردن دانسته شده است. در تعریف لغوی به معنای نزدیک کردن، نزدیک گردانیدن، و نزدیک بودن است. معنای این واژه در اصطلاح از این قرار است: «نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی با هدف تعارف و شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به تألف و اخوت و تفاهم دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی.»^۴ تقرب مذاهب اسلامی، نزدیک کردن دیدگاه‌های پیروان مذاهب اسلامی بر اساس مشترکات مسلم دینی است؛ یعنی به معنای

۱. همان، ص ۱۲۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۳۶.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۳۳۹.

۴. کریم سیاوشی و ندا سلیمانی فر، «راهکارهای تقرب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع)»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۰، دوره جدید، ش ۳۹، بهار ۱۳۹۴، ص ۷۵.





زدودن اختلافات مذهبی مسلمانان و ایجاد همکاری بین رهبران و پیروان مذاهب اسلامی است تا همدیگر را مسلمان و پیرو قرآن و سنت پیامبر (ص) بدانند و بدون این که مذهب خود را کنار بگذارند، به برادری و اخوت اسلامی رو آورند. در نگرش برخی از عالمان دینی، مراد از تقریب مذاهب اسلامی این است که علمای هر مذهب درباره مذاهب مطالعه کنند تا معلوم شود که همه در اصل اعتقادات شریک‌اند؛ یعنی آن اعتقاداتی که اسلامیت یک مسلمان به آن بستگی دارد و آن چه در آن اختلاف است ملاک مسلمان نیست، بلکه ملاک پیروی از مکتب خاص است. مراد از مذاهب اسلامی، مکاتب فقهی اسلامی است که دارای نظام منسجم و مستند به قرآن می‌باشد که در مجموع هفت مذهب را تشکیل می‌دهد و در اصول اسلام با هم مشترک می‌باشند. این هفت مذهب عبارت‌اند از: حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، شیعه دوازده امامی، زیدی و اباضیه.^۱ تقریب، طبق دیدگاه‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به این معنا است که:

نزدیک‌سازی پیروان مذاهب اسلامی به منظور آشنایی با یکدیگر از طریق تحقق هم‌دلی و برادری دینی بر پایه اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی است. منظور از مذاهب اسلامی، آن دسته از مکتب‌های فقهی - اسلامی معروفی است که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به قرآن و سنت می‌باشند، عبارت‌اند از: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی از اهل سنت و مذهب اثنی‌عشری، زیدی و بهره از شیعه و مذهب اباضی.^۲

بنابراین مقصود از تقریب، احیای اصل قرآنی اخوت و حذف موانع ساختگی روانی وحدت در میان شیعه و سنی است که مبتنی بر نزدیکی و هم‌گرایی پیروان مذاهب اسلامی به منظور شناخت یکدیگر، پیرامون محور قرآن و اصول و مشترکات اسلامی می‌باشد.^۳ پس از پایان جنگ‌های بین‌المللی دوم در سال ۱۹۴۵ م برابر با ۱۳۲۴ هـ که جهان از یک جنگ طولانی رهایی یافته بود، اندیشه تقریب در میان متفکران اسلامی در مصر و ایران قوت گرفت و گروهی به نام «جماعه‌التقریب» در قاهره تشکیل شد. و جهان اسلام را به تقریب و تفاهم میان گروه‌ها، و احترام به عقاید و اندیشه‌ها دعوت کرد و چون داعیان تقریب انسان‌های والامقامی در جامعه اسلامی بودند، و به راستی، درد دین و غم شریعت در دل داشتند، ندای آنان را

۱. اسماعیل دانش، «نقش مشترکات کلامی شیعه و اهل سنت در تقریب مذاهب اسلامی»، اندیشه تقریب، س ۴، ش ۱۵، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰.

۲. محمدعلی تسخیری، «گفتارهایی درباره تقریب مذاهب»، اندیشه تقریب، س ۴، ش ۱۴، ۱۳۸۷، ص ۲۲.

۳. مجتبی شیرانی و علی‌الله وردی، «دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی درباره وحدت اسلامی»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۰، دوره جدید، ش ۳۸، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۹.



بزرگانی از فریقین پاسخ مثبت گفتند و مرحوم آیت الله بروجردی از ایران، و شیخ محمود شلتوت از مصر مهم‌ترین حامیان این اندیشه گشتند و شخصیت عظیمی مانند کاشف الغطاء که سوابق درخشانی در تقرب داشت، به این گروه پیوست و با نوشتن مقالاتی در مجله تقرب، هدف این جمعیت را روشن ساخت و مرحوم شیخ محمد تقی قمی به عنوان نماینده شیعه در جمعیت شناخته شد.^۱ اولین بیانیه «جماعه التقرب» بر این نکته تأکید داشت که «قرآن و سنت» دو پایه اصلی اسلام از نظر همه مسلمانان است و گشوده بودن باب آزادی بحث و اجتهاد، سبب شکوفایی و رونق فقه شده است. همچنین، بادهای تعصب، امت اسلامی را دچار پراکندگی و وارد مرحله رکود و فترت می‌کند. شاید بتوان در ماده دوم از اساسنامه جماعه التقرب برخی از اهداف رسمی آن را ملاحظه کرد. در این ماده، سه مورد مطرح شده است: لزوم تلاش و کوشش برای وحدت کلمه رهبران مذاهب اسلامی؛ انتشار اصول اسلامی به زبان‌های گوناگون؛ و کوشش در حل نزاع‌ها و درگیری‌های ملل و طوایف اسلامی.^۲

باید این نکته را یاد آور شد که نظریه تقرب هرگز در صدد ایجاد اتحاد باورهای فرق مسلمان و رسیدن به باورهایی واحد و یکپارچه نیست؛ هر چند که در گفتار میان اندیشمندان قطعاً توافقی‌هایی در برخی مسائل پدید خواهد آمد اما این امر بدان معنا نیست که این نظریه تلاش خواهد کرد که فرق اسلامی از باورهای مسلم خویش دست بردارند. همچنین تأکید به ثبوت باورها نزد فرق مسلمان به معنای عدم ایجاد توافق و وحدت نگرش در رفتار نیست.^۳ علامه محمد تقی قمی اولین دبیر کل دارالتقرب مذاهب اسلامی در این مورد توضیح می‌دهد:

امتزاج مذاهب اسلامی نه هدف ماست و نه مقصود ما، بلکه ندای ما این است که مسلمانان در اصول اسلام (آن اصولی که مسلمان بدون اعتقاد به آنها مسلمان شناخته نمی‌شود) متحد باشند؛ یعنی بدانند که در اصول با هم اتحاد دارند و در سایر مسائل نیز همچون کسی هستند که قصدش دشمنی و یا فلج کردن دیگران و غلبه بر آنان نیست.^۴

امام خمینی (ره) پیرامون تقرب مذاهب اسلامی بیان می‌کنند:

۱. گروه معارف و تحقیقات اسلامی، «تقرب در چشم‌انداز پایه‌گذاران آن»، هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶-۱۸۵.

۲. محمد علی تسخیری، همان، ص ۱۴.

۳. سعید ارجمندفر، «میانی نظری تقرب در قرآن و سنت»، راه تربیت، ش ۶، ۱۳۸۷ (ویژه‌نامه تقرب مذاهب اسلامی)، ص ۹۰.

۴. امان‌الله شفاپی، «نقش حوزه‌های علمیه در تقرب مذاهب اسلامی»، اندیشه تقرب، ش ۷، ۲۶، بهار ۱۳۹۰، ص ۶۸-۶۷.



آن چیزی که من تأکید کردم یکی همین معنا بود که گمان نکنند برادرهای سنی ما که در اسلام این معنا مطرح باشد که فرقی مابین شما و ما باشد. همان طور که چهار مذهبی که در اهل تسنن هست،^۱ چه طور آن مذهب با آن مذهب دوتاست، لکن برادرند همه، دشمن نیستند، این هم یک مذهب خامسی است که دشمنی در کار نیست، همه برادر؛ همه مسلمان؛ همه اهل قرآن؛ همه تابع رسول اکرم.^۲

ایشان در جایی دیگر بیان می کنند:

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و یک دسته ای حنبلی و دسته ای اخباری هستند؛ اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود. در یک جامعه ای که همه می خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق، آنها می خواهند نه این باشد نه آن، راه را این طور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم، و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم.^۳

و در یکی از بیانات خویش فرموده اند:

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم، مسلمان و برادر هستیم... قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.^۴

بنابر این، تقریب در مجموعه بیانات امام خمینی (ره) به معنای نزدیکی و همکاری است که

۱. این چهار مذهب عبارت اند از: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۵۹.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۵۴.

۴. همان، ج ۶، ص ۱۳۳.

در مفهوم عام، جنبش نزدیکی ادیان است و در مفهوم خاص، حرکتی است که هدف از آن نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلاف و گاه خنثی کردن اختلافات و دشمنی مسلمانان، به منظور متحد کردن آنان و نزدیکی فرق مختلف اسلامی شیعه و سنی است.^۱

در اندیشه امام (ره)، ملی‌گرایی و اختلاف بین مذاهب دو آفت و آسیب جدی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود: «از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.»^۲ با توجه به این تهدید بوده است که ایشان موکداً به بزرگان جوامع اسلامی توصیه می‌کردند:

پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیاید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم‌پیمان با همه برادران مسلمان غیر عرب، تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید.^۳

امام خمینی (ره) معتقد است که باید برای کاهش اختلافات نظری که بسیاری از آنها نامعقول و غیرمنطقی است و افزایش اشتراکات از طریق عملی حرکت کرد. البته این امر ضمن حفظ اصول و مواضع منطقی از جانب طرفین است. راه نیل به این مقصود نیز، تفاهم زبانی یعنی یافتن زبان مشترک جهت تفاهم در مسائل است. لازمه ضروری در این راه، تحصیل چند ویژگی است از جمله تحمل پذیرش اختلاف سلیقه، دفاع از آزادی اندیشه، مقابله با خرافه‌پرستی و پیرایه‌های تفرقه‌برانگیز، کنار نهادن تعصبات کورکورانه و غیرمنطقی، خودباوری و... در منظر امام بار این مسئولیت نیز بر عهده نخبگان اعم از حوزوی و دانشگاهی است و باید از ورود عوام در این مباحث و اختلاف‌نظرها پرهیز کرد. تاریخ گواه است که اسلام توانست در دامن خود دانشمندان بسیاری را تربیت کند که با وجود اختلافات، نه در اسلام آنها خللی وارد شد و نه از هم دوری گزیدند. لذا به نظر امام، بسیاری از اختلافات نظری و فکری قابل برطرف شدن است و می‌توان هر چه بیشتر به یکدیگر نزدیک شد. از طرف دیگر، وجود برخی اختلاف دیدگاه‌ها و نظریات طبیعی است و نباید عامل تفرقه و جدایی و دوری پیروان فرق اسلامی از یکدیگر شود.^۴

۱. سید حسن قریشی کرین و دیگران، «تطبیق اندیشه تقریب از منظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله بروجردی»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۲، ش ۵، زمستان ۱۳۹۱، ص ۹۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

۳. همان، ج ۵، ص ۸۲.

۴. محمود پروانه، الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۱۹۴-۱۹۳.





مبانی تقریب در اندیشه امام خمینی

مبانی تقریب در اندیشه امام خمینی (ره) بر پنج پایه استوار است:

۱. فطرت

فطرت از منابع معرفتی پذیرفته شده نژاد همه انسان‌ها است و مفاهیم فطری مفاهیمی‌اند که در همه انسان‌های عالم در هر زمان، مکان و موقعیتی یکسان هستند مگر اینکه مانعی به طور موقت از ظهور آن جلوگیری کند. آیه ۳۰ سوره روم تصریح می‌کند که اسلام دین فطرت است. فطرت نیز در همه انسان‌ها مشترک است. از دیدگاه قرآن، بشر از اصل واحد برخوردار است.^۱ هر انسانی به حکم فطرت به محض اشتراک در اصول و مبانی فکری و حیاتی با هم نوع خود، احساس هم‌دلی، دوستی و امنیت می‌کند. در مقابل، با بیگانگان و غیر خودی‌ها، احساس تنفر و بیزاری؛ این همان فطرت هماهنگ با خودی و بیگانه با غیر خودی است.^۲ با مراجعه به کلمات حضرت علی (ع) چنین می‌توان استنباط نمود که اتحاد و تقریب امری فطری و طبیعی می‌باشد و انسان با روحیه نوع دوستی پدید آمده است. بنابراین آنچه باید به ریشه‌یابی آن پرداخت، اختلاف است؛ زیرا اتحاد ریشه در فطرت انسان دارد. در خطبه ۱۱۳ نهج‌البلاغه آمده است:

شما بر اساس دین خدا برادران یکدیگرید، چیزی جز آلودگی درون‌ها و بدی نیت‌ها، شما را از هم جدا نکرده است، به همین دلیل یکدیگر را یاری نمی‌دهید، و خیر خواهی هم نمی‌کنید و به یکدیگر بذل و بخشش ندارید و با هم دوستی نمی‌ورزید.^۳

یکی از گرایش‌های فطری در حوزه روان، میل و گرایش انسان به فضایل یا ارزش‌های اخلاقی است. انسان به صورت طبیعی به ارزش‌های اخلاقی از جمله وحدت گرایش دارد، همان‌گونه که صدارزش را ناپسند می‌داند. در برخی از آیات قرآن کریم به وجود فطرت اخلاقی بشر و گرایش وی به خیر و فضیلت اشاره شده است. بر اساس این آیات، انسان‌ها به طور عموم از حس اخلاقی مشترکی برخوردارند و نسبت به اصول اخلاقی، شناخت و آگاهی دارند. این آگاهی اکتسابی نیست، بلکه ریشه در ذات و فطرت آدمی دارد.^۴ امام

۱. یوسف فتحی، «اخوت اسلامی به مثابه سرمایه اجتماعی معنوی در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۷، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۸۵.

۲. دادخدا خدایار، «نقش راهبردی اخلاق در ایجاد وحدت»، فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق، س ۴، ش ۱۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۲۴.

۳. خطبه ۱۱۳ نهج‌البلاغه.

۴. نجمه درودی و حسن ملکی، «فطرت در آیات و روایت»، معرفت، س ۲۲، ش ۱۸۷، تیر ۱۳۹۲، ص ۴۱ و مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، انسجام اسلامی: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی سید علی خامنه‌ای، تهران، مرکز نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۴-۳۳.

خمینی (ره) به زیبایی دشمنی (تفرقه و پراکندگی) و دوستی (وحدت و تقریب) را بر اساس فطرت توضیح می‌دهند:

اعمال صالحه آنهایی است که سازش داشته باشد با نفس انسان. نفس انسان سعادت‌مند خلق شده است. یعنی استعداد سعادت در آن هست و فطرت انسان فطرت سعید است. عمل صالح آن است که با این فطرت سازش داشته باشد. صالح یعنی سازش. سازش داشته باشد با این فطرت. عمل ناصالح آن است که با فطرت انسان سازش نداشته باشد. این اعمالی که برای برادرهایتان انجام دادید، این سازش دارد با آن فطرت. فطرت انسان فطرت دوستی است با برادرانش. دشمنی یک فطرت ثانوی است که در انسان پیدا می‌شود. دوستی یک فطرت ابتدایی انسان است. بچه کوچکی که متولد شده است، این رحمت و دوستی در او ظاهر است. کم‌کم اسباب این می‌شود که از آن طرف بیفتند؛ یا اینکه قوت پیدا کند این عمل صالحش.^۱

در اسلام از آنجا که اصل فطرت و وجدان عمومی برای بشریت مطرح است، مخاطبانش نیز همه بشریت در طول زمان و گستره زمین است. بر پایه نظریه فطرت، همه ادیان آسمانی چون با در نظر داشتن آفرینش ویژه انسان از سوی آفریدگار آدمیان فرو فرستاده شده‌اند، نه تنها همسو هستند که از ماهیت یگانه برخوردارند. از این رو در قرآن همیشه از دین سخن به میان آمده است و نه ادیان. به اعتقاد استاد مطهری، قرآن به ادیان قائل نیست، بلکه به دین قائل است؛ چون دین فطرت است، دین راه است، دین حقیقی در سرشت انسان است، انسان‌ها چند گونه آفریده نشده‌اند و تمام پیامبرانی که آمده‌اند تمام دستورهایشان دستورهایی است بر اساس احیا کردن و پرورش دادن همین حس فطری؛ و آنچه آنها عرضه می‌دارند تقاضای همین فطرت انسانی است. لهذا قرآن آنچه را نوح پیامبر (ع) داشته است، می‌گوید دین است و نامش اسلام، آنچه ابراهیم داشته است می‌گوید دین و نامش اسلام، و هر آنچه موسی و عیسی و هر پیامبر بر حقی داشته است می‌گوید دین و نامش اسلام است. این نام‌هایی که بعداً پیدا می‌شود می‌فرماید انحراف از دین اصلی و فطرت اصلی است. یهودیت انحرافی است از اسلام حقیقی، نصرانیت انحرافی است از اسلام حقیقی، راه حقیقی و اسلام یک چیز بیشتر نیست. بدین ترتیب باور به فطرت، بنیاد وحدت ادیان به شمار می‌آید و در ضمن این واقعیت را نیز آشکار می‌کند که فلسفه اختلاف و تفاوت شریعت‌ها و آیین‌ها عوامل و شرایط زمانی و مکانی است و نه تفاوت و ناهمگونی طبیعت

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۹.





دشمنان اسلام همواره کوشیده‌اند تا با مینا قرار دادن شعار «فرق تَسُد» (تفرقه بینداز و حکومت کن)، جماعت مسلمانان را پراکنده کنند و از ضعف حاصل از آن نهایت استفاده را ببرند و از منافع آن بهره‌برداری کنند

بشر. ^۱ از دیدگاه امام خمینی (ره)، فطرت الهی بشر گرایش به توحید دارد و عقل و خرد آدمی نیز در تمامی ادوار زندگی‌اش بر همین گرایش حکم کرده است. منازعات، پراکنندگی‌ها و تفرقه‌ها نیز خلاف مصلحت جوامع انسانی و گاهی در مسیر انحطاط دانسته شده است. اصولاً گرایش به وحدت حقیقی در جامعه انسانی از جلوه‌های اعتقاد به توحید است.

امام در کتاب *سرالصلوه* در بیان مقامات معنوی علما بالله پس از ذکر مقدمات سه‌گانه‌ای، چهارمین مقام اولیا را تحقق مقام وحدت می‌دانند. ایشان وحدت کلمه و اتحاد را از رحمانیت خداوند می‌دانند. ^۲ انسان‌ها به حکم فطرت، حب به تقریب دارند و در این مسیر، استقامت خواهند داشت. البته انسان‌ها به طور عمومی، در انجام امور نیک دارای استقامت و حب ذاتی هستند. به فرموده امام خمینی (ره) «فطرت و خلقت انسان بر استقامت و نیکی است. حُب به خیر سرشت انسانی است» ^۳ و به همین دلیل، «هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیک‌تر باشند و از حُب حتی حُب نور وارسته‌تر، به مبدأ نور وابسته‌ترند تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است.» ^۴

همچنین، فطرت اصلی انسان عشق به کمال مطلق است. اصل مشترک بین همه انسان‌ها این است که هر کسی، کمال، خیر و سعادت مطلق را می‌جوید: «در فطرت بشر، طلب قدرت مطلق است، نه قدرت محدود. طلب کمال مطلق است، نه کمال محدود.» ^۵ امام اعتقاد دارد: «به فطرت، انسان عاشق کمال مطلق است و در کمال‌های ناقص آنچه می‌خواهد کمال آن است نه نقص، که فطرت از آن مُنزَجِر است، و حجاب‌های ظلمانی و نورانی است که انسان را به اشتباه می‌اندازد. شاعران و مدیحه‌سرایان گمان می‌کنند مدح فلان امیر قدرتمند یا فلان فقیه دانشمند را می‌کنند، آنان مدح و ثنای قدرت و علم را می‌کنند نه به طور محدود، گرچه گمان کنند محدود است. و این فطرت امکان تبدیل و تغییر ندارد لا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیْمُ.» ^۶ امام (ره) در شرح چهل حدیث اذعان می‌دارد:

۱. سید حسین هاشمی، «مطهری و فطرت در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی (ویژه‌نامه استاد شهید مطهری)، ۱۳۷۸، ش ۱۸-۱۷، ص ۴۶.

۲. سید حسن قریشی کرین و دیگران، همان، ص ۹۴.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۵۰.

۴. همان، ص ۵۱۲.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۲۰۵.

۶. همان، ج ۱۸، ص ۴۴۳. اشاره به سوره روم، آیه ۳۰: «در آفرینش خدا تغییری نیست و این است آیین استوار حق».

قلوب همه افراد بشر متوجه کمالی است که نقص ندارد و عاشق جمال و کمالی هستند که عیب ندارد و علمی که جهل در او نباشد و قدرت و سلطنتی که عجز همراه آن نباشد، حیاتی که موت نداشته باشد و بالأخره کمال مطلق معشوق همه است. تمام موجودات و عائله بشری با زبان فصیح یک دل و یک جهت می‌گویند که ما عاشق کمال مطلق هستیم، ما حب به جمال و جلال مطلق داریم.^۱

از این رو، انسان بنابر فطرت از نقص، عیب و شر و شقاوت بیزار است. امام (ره) درباره این گرایش که آن را فرع بر فطرت کمال‌خواهی انسانی می‌دانند، می‌گویند:
و دیگری از آن دو فطرت که سمت فرعیت و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است که این نیز مطبوع و مخمر در انسان است، و به تبع فطرت عشق به کمال.^۲

امام (ره) معتقد هستند فطرتی که با سرشت آدمی عجین شده است و به دست توانای الهی در ذات انسان به ودیعت نهاده شده و با طینت او در آمیخته است، بر دو نوع است: تنفر از نقص و ناقص، و عشق به کمال و کامل، که یکی اصل است و آن «عشق به کمال مطلق» است و دیگر، تبعی است و آن «تنفر از نقص» است.^۳ این موضوع در حالی است که اگر وحدت و تقریب برای بشریت به عنوان یک کمال معرفی شود، روح انسان‌ها به صورت فطری به سوی کمال وحدت سوق می‌یابد. امام در یکی از بیانات خویش اظهار می‌کند:

انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد. و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد. پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد.^۴

در این مسیر می‌توان اذعان داشت که تقریب یکی از کمالات و مقاصد خیر بشری است که

۱. امام خمینی (ره)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴.

۲. امام خمینی (ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۷۷.

۳. نجمه درودی و حسن ملکی، همان، ص ۴۰.

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲۳.





در نگاه امام خمینی (ره) تعالیم اسلامی بر محوریت امت اسلامی و برادری و برابری اسلامی استوار است. وی تعدد و اختلاف و دشمنی را در جامعه اسلامی از دسیسه‌های استعمار و قدرت‌های جهان‌خوار می‌داند

بشر فطراً از آن‌گريزان است؛ زیرا انسان‌ها زمانی که خوبی‌های تقریب را مشاهده نمایند، از شرها (تفرقه و نفاق) دوری می‌کنند. به قولی، «فطرت این است که وقتی خیری را دید، بخواهد. شما خیر و شر را به مردم بگوئید، تا مردم به فطرت خودشان از شر گريزان بشوند و به خیر توجه کنند.»^۱ بر این اساس، تمام دستورات دینی و احکام الهی دو هدف

اصلی و فرعی دارد؛ مقصد اصلی همه دستورات دین که برای تربیت بشر آمده است، برای توجه دادن انسان به فطرت توحیدی و عشق به کمال مطلق، شئون ذاتیه، صفاتیه و افعالیه اوست؛ از این رو، تمامی مباحث مبدأ، معاد، وحی، نبوت و نیز عمده مراتب سلوک نفسانی و بسیاری از فروع احکام دین از قبیل نماز و حج مربوط به مقصد اصلی و فطرت توحیدی است. اما هدف دوم دستورات الهی و احکام دینی بیزاری دادن فطرت از شجره خبیثه دنیا و طبیعت که ام‌النقایص و ام‌الامراض است و بسیاری از مسائل ربوبیات و عمده دعوت‌های قرآن و مواظب‌الهیة، به آن بازمی‌گردد.^۲ بر این اساس می‌توان گفت تمام دستورات و تعالیم الهی و سیره انبیاء، دعوت مؤمنان به وحدت و چنگ زدن به ریسمان الهی و کنار گذاشتن اختلافات در قرآن در راستای فطرت انسان‌ها است.^۳

گرچه وحدت‌گرایی فطری است، اما امور فطری نیازمند پرورش و توجه می‌باشد و بی‌توجهی و عدم اهتمام به آن، موجب این می‌شود که شکوفا نگردد یا در معرض تندبادهای روزگار قرار گیرد.^۴ امام خمینی (ره) اعتقاد دارد که بر اساس اصول فطری انسان‌ها، گرایش ابتدایی به سوی وحدت و تقریب مذاهب و ملت‌ها می‌باشد؛ اما به دلیل شرایط محیطی، تربیت‌های نامناسب و عوامل نامساعد ثانویه این گرایش صحیح فطری به سوی پراکندگی و تفرقه سوق می‌یابد. به عبارتی، «همه انسان‌ها به فطرت صحیح موجود می‌شوند. لکن بعد در محیط‌ها، در تربیت‌ها در این‌طور چیزها عوض می‌شوند.»^۵ در عین حال، جهل و بی‌تدبیری بشریت از منظر امام خمینی (ره) یکی دیگر از عوامل انحراف در اصول فطری نظیر وحدت است؛ «فطرت همه بر نورانیت است،

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۳۵.

۲. امام خمینی (ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، همان، ص ۸۰-۷۹.

۳. محمد بهشتی، «جایگاه فطرت در اندیشه تربیتی امام خمینی (ره)»، فصلنامه تربیت اسلامی، س ۱۱، ش ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۲.

۴. ابودر قاسمی آرانی و زینب خرم‌آبادی آرانی، «بازخوانی مفهوم وحدت اسلامی در نهج‌البلاغه»، فصلنامه حیل‌المتین، دوره سوم، ش ۷، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۵۳.

۵. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۵۷.

فطرت شما فطرت نورانی است، فطرت توحید است. به دست خود ما آن فطرت به جهالت‌ها، به ظلمات کشیده می‌شود.^۱ در یک جمع‌بندی باید اذعان داشت که امام خمینی (ره) میل به وحدت و تقریب را امری فطری می‌داند که بر اساس ذات انسان‌ها و کمال‌طلبی بشریت، تمایل جامعه انسانی به دست‌یابی هر چه بیشتر تقریب و وحدت بین مذاهب، ملت‌ها و... است. اما شرایط آموزشی، سیاسی، تبلیغاتی و... مانع از تقریب کامل در جهان اسلامی و میان بشریت می‌شود.

۲. قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان کتاب و منبع اصلی و مشترک تمامی مذاهب و فرق اسلامی، ادبیاتی وحدت‌گرا دارد. بیش از پنجاه آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های پیش‌گیری از تفرقه و راه‌های به دست آوردن اتحاد اشاره می‌کند که همگی نشان می‌دهد که این موضوع از نظر قرآن دارای چه اهمیتی است.^۲ قرآن کریم، در سوره شوری آیه ۱۳، مسلمانان را سفارش کرده است که دین الهی را با هم اقامه نموده و از تفرقه در دین بپرهیزند. در آیه ۶۵ سوره انعام و آیات ۱-۵ سوره آل عمران، اختلاف را در ردیف عذاب‌های آسمانی، صاعقه‌ها و زلزله‌ها قرار داده است.^۳ در سوره آل عمران، تأکید می‌شود که همه با هم ریسمان الهی را محکم بگیرید و پراکنده نشوید. آیه ۱۰۳ با کمال صراحت به مفهوم «با هم» بودن و با هم دستورهای الهی را اجرا کردن و پراکنده اجرا نکردن توجه کرده است. اندک توجهی به مفهوم آیه می‌رساند که عنایت این کتاب آسمانی به این است که مسلمانان متفرق و پراکنده نباشند. آیه ۱۰۵ سوره آل عمران که دنباله این آیه است می‌فرماید: «شما مانند دیگران (پیروان سایر) مباشید که پس از آن که آیات روشن الهی بر ایشان آمد فرقه‌فرقه شدند و اختلاف پیدا کردند. برای چنین کسانی عذاب عظیم است.» مفهوم این آیه نیز واضح است. این آیه مخصوصاً به تفرقات مذهبی یعنی فرقه‌فرقه‌شدن‌ها و مذاهب به وجود آمدن‌ها اشاره می‌کند. زیرا این نوع اختلافات از هر نوع دیگر خطرناک‌تر است. آیه ۲۰۰ این سوره می‌فرماید: «ای اهل ایمان! صابر و خویشتن‌دار باشید، یکدیگر را در خویشتن‌داری یاری کنید و با یکدیگر پیوند داشته باشید.» همچنین آیات و مفاهیمی همچون «واعتصموا»، «تعاونوا»، «اصلحوا»، «اصلاح بین الناس»، «الف بینهم»، «امت واحده»، «امتاً وسطاً»، «صبغه الله»، و «إخوه»، همگی، گاه با صراحت و گاه در قالب روشی اصلاحی بر مفهوم وحدت تأکید

۱. همان، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

۲. شهین سالاروند و همکاران، «راه کارهای ایجاد وحدت در جامعه از دیدگاه قرآن»، معرفت، س ۲۳، ش ۱۹۸، خرداد ۱۳۹۳، ص ۱۳۲.

۳. اسماعیل دانش، همان، ص ۱۱۲.





می‌کنند.^۱ بر اساس فرمایشات امام خمینی (ره):

این قضیه وحدت در قرآن پافشاری روی آن شده است و با تعبیرهای مختلف این مسئله گوشزد شده است و آن چیزی که مهم است این است که مسلمین به اسلام و به قرآن عمل کنند، این دیگر تکلیف ماست...^۲

قرآن کریم پافشاری دارد در این مطلب که متفرق نباشند مردم، مسلمین از هم، و ید واحد باشند و معتصم به «حبل الله» باشند.^۳

امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از آیه ۱۰۳ سوره مبارک آل عمران اذعان می‌دارد که تقریب و اتحاد مسلمانان یک دستور اسلامی و شرعی است: «این دستور اسلام است: اسلام دستور داده است و فرموده است: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**؛^۴ همه با هم - تمام قشرها با هم - اعتصام به حبل الله، توجه به خدای بزرگ؛ با توجه به خدای بزرگ، همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است. ما همه باید با هم باشیم».^۵ تقریب بر اساس ادبیات قرآنی، خود را به صورت «چسبندگی به ریسمان الهی» نشان می‌دهد که در گفتار و مکتوبات امام خمینی (ره) خود را بارها به عناوین مختلف اعتصام به حبل الهی نشان داده است: «**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**؛ این آیه قرآن را بپذیرید. همه بچسبید به ریسمانی که بین شما و خداست، و آن اسلام است.»^۶ امام خمینی (ره) بر اساس برداشت‌های قرآنی خود تأکید دارند که تقریب امت اسلامی به مثابه صراط مستقیم است که یک ارتباط استراتژیک بین خلق و حق تعالی است. اگر این ارتباط مستحکم باشد، تفرقه و جدایی در بین امت اسلامی جایگاهی ندارد: «حبل الله اسلام است. صراط مستقیم، اسلام است. ریسمان بین حق و خلق، اسلام است. و اعتصموا بالاسلام. متفرق نشوید.»^۷

۳. سنت

یکی دیگر از مبانی تقریب در اندیشه امام خمینی (ره)، سنت است. سنت پیامبر (ص) و سیره اهل بیت (ع) که در کنار قرآن جزء مستندات اسلامی هستند، هر کدام به نحوی مسئله تقریب مذاهب را مطرح کرده‌اند. امام خمینی (ره) اعتقاد دارند که وحدت و تقریب اسلامی

۱. عبدالصمد مرتضوی، «مبانی و ریشه‌های تقریب و اتحاد اسلامی در قرآن و سنت»، فصلنامه حبل‌المتین، دوره دوم، ش ۲، بهار ۱۳۹۲، ص ۵۳ و سید رحمت‌الله دانش میرکهن، «راه کارهای تقویت اتحاد در میان مذاهب اسلامی»، اندیشه تقریب، س ۴، ش ۱۶، ۱۳۸۷، ص ۲۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۸۱.

۳. همان، ص ۴۳۸.

۴. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «و همگی به ریسمان خداوند چنگ زبند و پراکنده نشوید.»

۵. صحیفه امام، ج ۷، ص ۹۹.

۶. همان، ج ۸، ص ۲۹۸.

۷. همان، ج ۹، ص ۱۶۷.

مورد سفارش مؤکد کتاب و سنت است:

ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی هستیم، از اختلاف کلمه احترام و به وحدت اسلامی که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است گرایش نموده، و کلمه حق را علّیا و کلمه باطل را سفلا قرار دهیم...^۱
به فرمایش امام خمینی (ره)، اسلام و کتاب آسمانی قرآن کریم، ملت‌ها را به وحدت دعوت کرده است و تابعین اسلام باید از دعوت قرآن کریم به وحدت و تقریب اسلامی پیروی نمایند و این یک رسالت شرعی است:

اسلام پیشوای ماست، قرآن کریم پیشوای ماست. قرآن کریم ما را به وحدت دعوت کرده است، اسلام ما را به وحدت دعوت کرده است. ما تابع اسلام هستیم.^۲

وی در جایی دیگر اشاره می‌کند که تفکرات جدایی طلبانه در میان مسلمانان مبتنی بر اصول غیر اسلامی و در تضاد با شرع مقدس است. از این رو، عدم تفرق در جامعه اسلامی یا «مُعْتَصِمٌ بِحَبْلِ اللَّهِ بُوْدُنٌ» یک اصل مهم شرعی است:

دستور اسلام است که همه باید مُعْتَصِمٌ بِحَبْلِ اللَّهِ باشیم. همه باید متفرق نباشیم، جدا از هم نباشیم. فکر جدایی فکر غلط است.^۳
در اندیشه حضرت امام، دعوت به اسلام در سیره معصومین (ع)، همان دعوت به وحدت و تقریب بین امت و ادیان است که بارها مورد تأکید قرآن قرار گرفته است:

این وحدت چیزی است که در قرآن به آن سفارش شده است، دعوت شده است. ائمه مسلمین دعوت کرده‌اند به این مسئله. دعوت به اسلام، اصلش دعوت به وحدت است؛ یعنی، همه در کلمه اسلام با هم مجتمع باشند و در آسایش.^۴

اصول تقریب در قرآن

الف. حبل الله محور وحدت

امام خمینی (ره) اعتقاد دارند که دستور شرع اسلام صرفاً به اجتماع مردم نیست، بلکه شرع اسلام و قرآن کریم بر با هم بودگی حول محور حق تأکید دارد به گونه‌ای که این اجتماع باید دارای هدفی واحد و متعالی باشد و اجتماع مسلمین باید برای حبل الله باشد. از این رو،

۱. همان، ج ۴، ص ۳۱۱.

۲. همان، ج ۷، ص ۱۰۱.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۴۸۲.





تقریب در قرآن فراتر از اجتماع مردم است و به عدم تفرق پیرامون مسئله توحید و حق اشاره دارد:

در آیه اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا فَقَطْ امر به اجتماع نیست، تمام دستورهای مردم عادی و رژیم‌های غیرالهی این است که همه با هم باشید فقط دستور به اجتماع است. لکن دستور خدا دستور و اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ است. اینکه مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید؛ امر این است که همه با هم اعتصام به «حبل الله» بکنید. راه، راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیا نیامده‌اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند، انبیا آمده‌اند که همه را در راه حق مجتمع کنند.^۱

ایشان در جایی دیگر اشاره می‌نمایند که مسلمین باید به دور از تفرقه قومی و مذهبی، مطیع اوامر خداوند باشند: «هان ای مسلمین! از هر تیره و پیرو هر مذهب که هستید دشمنی خانگی را کنار بگذارید و به فرمان قرآن کریم و خدای بزرگ گردن نهید...»^۲

ب. مخالفت با نژادپرستی

از دیدگاه قرآن، تفاوت در رنگ، زبان، نژاد و ملیت ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر نبوده و وجود این گونه اختلافات، از نشانه‌های الهی و وسیله‌ای برای شناخت افراد از یکدیگر است. بشر در طول تاریخ از لحاظ زبان، رنگ، نژاد، فکر، عقیده و... متفاوت بوده است، ولی از منظر اسلام، همه فرزندان یک پدر و مادر بوده و این تفاوت‌ها بر انسانیت انسان خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. قرآن هر گونه افکار نژادپرستانه را محکوم کرده است:

ای مردم! ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و کاردان است.^۳

بررسی بیانات امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که تأکید بر نژاد، قومیت، رنگ، جنسیت و... می‌تواند بسترهای نزاع، اختلاف و درگیری را میان ملت‌ها به وجود بیاورد و این در حالی است که اسلام و قرآن کریم به صورت ریشه‌ای با نژادپرستی مخالف است و تأکید بر یک نژاد و برتری دادن آن نسبت به سایر نژادها مانعی بزرگ برای اتحاد و تقریب است؛ ملاک برتری مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر، عدالت و تقوا است:

۱. همان، ج ۹، ص ۱۳۱.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۵-۱۴۴.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

مسلمانان به مثابه دست واحدند... تفرقه جویی و نژادپرستی در کار نیست و بین ملت‌های اسلامی هیچ گونه امتیازی وجود ندارد، جز تقوا و پرهیزگاری، گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.^۱

از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است پرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده.^۲

ایشان مذاهب و قومیت‌ها در ایران را به وحدت و تقریب در پرتو شعار «لا اله الا الله» توصیه می‌کنند و اعتقاد دارند برای داشتن یک جامعه پویا و مستحکم باید هم‌قدم و هم‌نفس بود که تحقق این امر در گرو پرهیز از نژادپرستی و افراط‌گرایی قومی و مذهبی است:

نغمه نژادپرستی، طرح اینکه کرد، لر، فارس، اینها باید از هم جدا باشند و هر یک مستقلاً برای خود چیزی داشته باشند این آن است که اسلام آمده است که برادر از میان این دیوارها را؛ اسلام آمده است که خراب کند. و همه شما و همه ما و همه مسلمین در تحت لوای «لا اله الا الله» و توحید هم‌قدم باشیم و هم‌نفس باشیم و اسلام را به پیش ببریم.^۳

پ. قاعده نفی سبیل

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و خداوند راه سلطه کافران بر مؤمنان را ننگشده است.»^۴ این آیه مبنای اصلی به نام قاعده نفی سبیل قرار گرفته است. بر اساس قاعده نفی سبیل، هر گونه رابطه بین مسلمانان و کفار، که موجب نفوذ و گسترش سلطه کافران بر مسلمانان شود، حرام است و قرآن آن را جایز نمی‌داند.^۵ حضرت امام (ره) این قاعده را این گونه تعریف می‌کنند:

قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرِ مُسْلِم بر مُسْلِم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین؛ و این قدرت‌های فاسده راه

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۲۸.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۱۰۹.

۴. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۵. غفار شاهدهی، «روابط و مناسبات امت اسلامی در برخورد با سایر ملل و ادیان با تکیه بر سیره پیامبر اکرم (ص)»، معرفت، س ۲۲، ش ۱۸۵، اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۸۹.

۶. سوره نساء، آیه ۱۴۱: «هرگز خداوند راهی برای کافرین علیه مؤمنین قرار نداده است.»





نیاید داشته باشند بر مسلمین.^۱

برای اثبات ضرورت تقریب و وحدت مسلمانان به این آیه می‌توان استناد کرد، زیرا تفرقه و تشتت بین مسلمانان زمینه و راه را برای سلطه کفار و بیگانگان فراهم می‌کند. از این رو، مسلمانان باید برای جلوگیری از سلطه کفار با یکدیگر متحد شوند. امام (ره) معتقد است که تفرقه مسلمین عامل سلطه دشمن خواهد شد و در نقطه مقابل، اجتماع ملت و دولت‌ها می‌تواند از سلطه کفار بر مسلمانان جلوگیری نماید:

اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند...^۲

ت. اصل برادری مؤمنین

آیه ۱۰ سوره حجرات اخوت اسلامی (أَنَّما الْمُؤْمِنُونَ أَخُوهُ) را مبنای وحدت مسلمانان قرار داده است. امام (ره) نیز می‌فرماید:

این برادری یکی از اموری است که در قرآن کریم، همه ما را برادر خواندند؛^۳ مسلمان‌ها را، مؤمنین را. و برادرها باید با حسن نیت و برادری مجتمع باشند.^۴

اگر ممالک و دولت‌های اسلامی از اصل اخوت پیروی نمایند، قدرت معنوی مسلمانان نسبت به قدرت‌های استکباری افزایش می‌یابد:

و من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان‌طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود؛ که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن باشند.^۵

اخوت و برادری علاوه بر سطح داخلی مجامع اسلامی، باید در بین سران کشورهای اسلامی و میان ملت‌ها برقرار باشد و صرفاً به داخل یک کشور محدود نمی‌شود. از این رو، حکم قرآن کریم به مسلمانان، اخوت اسلامی در روابط مختلف است:

دولت و ملت ایران به تبعیت از احکام اسلام با تمام کشورهای اسلامی

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۸۳.

۳. اشاره است به آیه ۱۰، سوره حجرات.

۴. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۷۳.

۵. همان، ج ۸، ص ۸۸.

به حکم اخوت منصوص در قرآن مجید می‌خواست دست برادری دهد تا با وحدت کلمه و اتحاد بین تمام مسلمین از شر قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر و توطئه‌های ابرچاپ‌ولگران و جنایتکاران کشورهای اسلامی خلاص شوند.^۱

ث. دفاع از مسلمین جهان

یکی از مبانی تقریب در اصول قرآنی، دفاع از مسلمین است؛ به این معنا که بر تمامی مسلمانان واجب است تا مظلومان و مسلمین نیازمند در سراسر جهان را یاری برسانند و اگر اختلاف و تفرقه در جهان اسلام و مسلمانان وجود داشته باشد، مقابله با ستمگری دشمنان وجود نخواهد داشت. امام خمینی (ره) تأکید دارد به دستور قرآن کریم باید تقوا و اخوت بین مسلمین منجر به رفع ستم از مسلمین شود:

ما در اقصی بلاد دنیا اگر یک کسی بهمان بگوید که «یا للمسلمین»، ما موظف‌ایم که به درد آنها برسیم، هر قدری می‌توانیم. ما نمی‌گوییم که ما می‌توانیم همه جا چه بکنیم. ما آن قدری که می‌توانیم دفاع از حق مسلمین می‌کنیم. مسلمین معنایش نیست ایرانی، مسلمین. کسی که یک مسلمی فریاد زد که به داد ما برسید و نرود سراغش، فکر او نباشد، این مسلم نیست، این انحراف است، ملتفت نیستید شماها، این انحراف است از اسلام، این بی‌توجهی است به مقاصد اسلام. اسلام برای ایران نیامده، اسلام برای عالم آمده...^۲

۴. سنت و سیره

سیره و سنت نبوی (ص) به عنوان تنها تبیین‌کنندگان قرآن و مفسران حقیقی آن، یکی دیگر از مبانی تقریب در اندیشه امام خمینی (ره) است. سیره در اصطلاح به آن بخش از رفتار و روش عملی هر شخص گفته می‌شود که از حالت وحدت و یکبار یا چندبار محدود انجام گرفتن بیرون آمده باشد و به مرحله تکرر و مداومت رسیده باشد، و به صورت یک سبک و روش در آمده باشد.^۳ سیره در عرف مسلمانان، در معنایی معادل معنای سنت نیز به کار رفته و در مجموع، عبارت است از: مجموعه رفتارها و گفتارهای پیامبر و اساس اعتبار سنت از هدایت‌های قرآن کریم است، چرا که قرآن، کلام رسول خدا و سنت نبوی را مصون از خطا می‌داند و در جای جای قرآن به آن تأکید می‌کند که:

۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۵۹.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۰.

۳. حمزه خان‌بیگی، «بررسی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر (ص) با تأکید بر رفتار با دشمنان»، فصلنامه حبل‌المتین، دوره سوم، ش ۶، بهار ۱۳۹۳، ص ۸۰.





همنشین شما (محمد) نه از راه راست منحرف شده و نه در تشخیص حقیقت دچار خطا گردیده است، او به رأی خویش چیزی به نام قرآن برای شما نمی خواند، آن نیست مگر وحی که از جانب خدا به او می رسد.^۱

هر چند این آیات، بنابر قرائن حالیه دلالت بر قرآن و وحی الهی می کند؛ با این حال برخی از مفسرین این عصمت کلامی حضرت را به تمام سیره و سنت ایشان سرایت داده اند. از سوی دیگر آیات فراوانی نیز وجود دارد که بر الگو بودن سنت و سیره حضرت رسول (ص) اشاره دارند:

قطعاً در گفتار و رفتار رسول خدا اقتدای نیکویی برای شماست. اقتدا به رسول خدا از عهده همه مدعیان ایمان بر نمی آید، بلکه آن کسی پیرو اوست که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را بسیار یاد می کند.^۲

حجیت سنت و سیره نبوی نیز در تمام منابع شیعه و سنی، امری مسلم و لازم‌الاتباع است و نه تنها کلام وحی که توسط رسول خاتم (ص) بیان می شود - عین کلام الهی است، بلکه تمام گفتار، رفتار، کردار و اوامر و نواهی ایشان نیز برای تمام مسلمانان، حجت خواهد بود. امام خمینی (ره) معتقد بودند که مسلمانان باید سیره انبیاء و به خصوص پیغمبر گرامی اسلام را مطالعه کرده و آن را الگوی خویش قرار داده و در همه زمینه‌ها از آن پیروی کنند:

مسلمین باید بیدار بشوند. مسلمین از سیره انبیا و خصوصاً مسلمین از سیره پیغمبر اکرم باید مطالعه کنند، ببینند چه کرده است و ما باید تأسی کنیم.^۳

امام خمینی (ره) مسلمین را به سیره ائمه اسلام و پیامبر دعوت می کنند؛ زیرا معتقدند که سنت و سیره پیامبر و امامان در ردیف سنت‌های قرآنی قرار دارد و در این میان، دعوت به وحدت و دوری از افتراق در اجتماع مسلمین یکی از این سنت‌ها است. به همین دلیل ایشان اعتقاد دارند که اختلاف افکنی بین مسلمین، دسیسه دشمنان قرآن و سنت است و باید طبق سیره و سنت معصومین، وحدت و تقریب اسلامی را سرلوحه جامعه قرار دهیم:

باید مملکت اسلامی به پیغمبر اسلام و ائمه اسلام اقتدا بکنند. همان‌طور که آنها سیره‌شان یک سیره محبت‌آمیز بود نسبت به برادرهاشان، نسبت به مردم، نسبت به مسلمین، باید ماها هم که تبع آنها هستیم، همین سیره را داشته باشیم.^۴

۱. سوره نجم، آیه ۶-۲.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۱۲.

۴. همان، ج ۸، ص ۴۹.

خداوند پیامبر اکرم (ص) را «رحمه للعالمین» و پرچم دار صلح و دوستی برای مسلمانان و مردمان جهان معرفی کرده است. ایشان سال‌ها برای برادری، برابری، مبارزه با تبعیض نژادی تلاش کرد، در اوایل بعثت خود، نامه‌های متعددی برای زمامداران بزرگ آن عصر فرستاد و در آن نامه‌ها به بیان

در اندیشه امام (ره)، ملی‌گرایی و اختلاف بین مذاهب دو آفت و آسیب جدی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود: «از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است، و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌سازی بین برادران اسلامی و ایمانی است.»

وجه مشترک مسلمانان با مردم آن کشورها پرداخت و بعد از دوستی و وحدت، به مسئله حقانیت اسلام اشاره کرد، میان مسلمانان عقد اخوت و الفت جاری کرد و رنگ اختلاف و نزاع را از چهره جامعه پاک کرد.^۱ اقوام عرب جاهلی قبل از ظهور پیامبر (ص) گرفتار تشتت‌های گوناگون بودند و شکاف‌های قومی، قبیله‌ای و... بر زندگی آنها سایه افکنده و آنها را به تقابل‌های متعدد واداشته بود و هزینه‌های سنگین مادی و معنوی بر آنها تحمیل می‌کرد. به گونه‌ای که شاخصه اصلی جامعه جاهلی عرب، تشتت و پراکندگی، اختلافات عمیق میان مردم و قبایل مختلف بود. بت پرستی نه تنها موجب وحدت آنان نشده بود، بلکه وجود بت‌های متعدد، عامل تفرقه بیشتر بود. قبیله هم تنها سبب اجتماع مردم و وابسته به خود می‌شد. در یک قبیله وحدت خونی پایه‌های آن را استوار می‌کرد. بر همین اساس، نسب در میان عرب ارزش یافته بود و در واقع ارزش‌های هر فرد را موقعیت قبیله او معین می‌کرد. در نتیجه محور حیات اجتماعی و حتی فردی آنان را تعصبات قومی و خونی تشکیل می‌داد. برتری طلبی، کسب افتخار و شرافت، گاه و بی‌گاه آتش‌جنگی را میان آنان شعله‌ور می‌ساخت که در برخی از موارد به علت عصبیت و یک‌دندگی آنها سال‌های متمادی به طول می‌انجامید. رسالت جهانی پیامبر اعظم (ص) نجات و سعادت همه انسان‌ها از جهالت و انحراف و رستگاری همگی آنان بود. اولین چیزی که اسلام و قرآن از مردم زمان جاهلی گرفت، تشتت آرا و عقاید مذهبی بود که به جای آن وحدت عقیده بر مبنای توحید را مطرح کرد.^۲ بنابراین پیامبر (ص) با ارزانی نعمت الهی و وحدت حول اسلام، ارزش‌ها و آموزه‌هایش، سبک و سیاقی جدید به زندگی عرب غوطه‌ور در تشتت و تفرق بخشید و خونی دوباره در رگ‌های حیات آنان جاری و آنان را واحد، منسجم، همدل، هم‌گرا و هم‌آوا کرد.^۳ پیامبر (ص) با تکیه

۱. قربان‌علی هادی، «تأثیرات عاشورا در وحدت مسلمانان»، اندیشه تقریب، س ۷، ش ۲۸، پاییز ۱۳۹۰، ص ۲۹.

۲. سید علاء‌الدین شاهرخی، «راهبرد پیامبر اعظم (ص) در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی»، اندیشه تقریب، س ۸، ش ۲۹، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۸ و ۲۰.

۳. محمدعلی مشایخی‌پور، «بررسی اهمیت و جایگاه وحدت از دیدگاه امام علی (ع)»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۲، دوره جدید، ش ۴۵، پاییز ۱۳۹۵، ص ۲۸.



وحدت و تقریب برای هدف مشترک، یعنی حراست از کیان جمهوری اسلامی و نهضت اسلامی در ایران صرفاً به مرزهای ملی محدود نمی‌شود، بلکه امام خمینی (ره) از همه ملت‌های آزاد و مسلمانان شرق و غرب می‌خواهند با وحدت خویش به مقابله با دشمنان اسلام بپردازند و تقریب را امری جهانی و فراملی می‌دانند

بر مبانی اتحاد اسلامی، مدینه فاضله‌ای مملو از عشق و صمیمیت و برادری و ایثار و تمامی فضایل انسانی ساخت که هنوز بشریت در حسرت و آرزوی تحقق دوباره چنین جامعه‌ای به سر می‌برد. این وحدت و برادری که در عصر رسالت به بهترین شکل در میان یاران رسول خدا (ص) تحقق یافت، نمونه‌ای واقعی از امت واحده مورد نظر اسلام بود که متأسفانه پس از رحلت پیامبر (ص) خیلی زود به ضعف گرایید

و بروز اختلاف و تفرقه و تشتت و تنازع به تدریج زمینه‌ساز حرکت امت اسلامی در مسیر ذلت و انحطاط شد. پیامبر اکرم (ص)، منشأ ذلت و زبونی پس از عزت و سربلندی و در پی آن ضعف و سستی هر ملتی را تفرقه‌ای می‌داند که ریشه در خصومت و دشمنی دارد؛ از این رو ایجاد الفت و پرهیز از تفرقه و عداوت را بر مسلمانان واجب دانسته‌اند.^۱ امام (ره) تأکید دارند اتفاق بر اسلام در سیره پیامبر و اصحاب وی مشاهده می‌شود و همین امر یگانه عامل عزت مسلمانان خواهد بود. ایشان تأکید دارند در سیره معصومین، وحدت جامعه بر روی اصول اسلامی عامل رشد و موفقیت حکومت خواهد بود:

اگر مسلمین بخواهند این عزت و عظمتی را که در صدر اسلام بین پیغمبر اکرم و اصحاب بود و سایر اقشار مسلمین، آن سیره را متابعت کنند تا اینکه عظمت خودشان را بیابند، آن سیره همان اتفاق بر اسلام است که قدرت مافوق طبیعت می‌آورد، و شجاعت مافوق الطبیعه. آنچه که ملت ما، با اینکه در حال ضعف و تشتت بود دریافت، همین مطلبی بود که در صدر اسلام مسلمین دریافتند؛ اتکا به ایمان و اسلام و وحدت کلمه.^۲

پیامبر اکرم (ص)، همچنین می‌فرمایند: «بر شما باد به جماعت، زیرا دست خدا با جماعت است و شیطان با یک تن همراه و از دو تن دورتر است.»^۳ حضرت امام (ره) نیز در سخنان خویش به این حدیث نبوی استناد کرده و بر این باور بودند که اگر مسلمانان در راه خدا، با یکدیگر متحد شوند و اجتماع واحد را تشکیل دهند، خداوند متعال آنها را در راه رسیدن به

۱. محمد عرفانی، «راه کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر قرآن و روایات»، اندیشه تقریب، س ۳، ش ۱۳، ۱۳۸۶، ص ۲۳.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۴.

۳. اسماعیل دانش، همان، ص ۱۱۳-۱۱۲.

هدف‌شان یاری می‌کند، زیرا خداوند با جماعت است:

یک ملت اگر یک چیزی خواست، نمی‌شود خلافت کرد. خدا همراهش است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذَ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ**.^۱ یک جمعیت که برای خدا قیام کرده و با الله اکبر مطلبش را پیش برده است، این را نمی‌شود تحمیلش کرد.^۲

روایتی دیگر از پیامبر (ص)، که حضرت امام (ره) در سخنان گوهر بار خویش از آن بهره گرفته‌اند، روایت «مؤمنین يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُ، مؤمنین همه یک دست‌اند» می‌باشد. امام معتقدند تعبیر مسلمانان به یک دست به این جهت است که مسلمانان باید به درجه و مرحله‌ای از وحدت برسند که دیگر هیچ مرز و جدایی بین آنها وجود نداشته باشد:

در روایت از حضرت رسول آمده است که: شماها، همه مسلمین، همه مؤمنین **يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُ**،^۳ همه یک دست‌اند. حتی تعبیر دو تا دست هم نفرموده‌اند، کأنّهم یکی هستند. باید اجتماع شما و وحدت شما به آنجا برسد که یک باشید؛ بین خودتان و برادرهای خودتان جدایی نبینید، و این دستوری است، دستور اسلامی.^۴

از نظر امام خمینی (ره) هدف پیامبر اکرم (ص) ایجاد وحدت در تمام دنیا بود، اما موانعی بر سر راه این هدف بزرگ قرار داشت و مانع دستیابی پیامبر به چنین هدفی گردید:

پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند؛ می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید، در تحت کلمه توحید تمام ربع مسکون را قرار بدهد، منتها اغراض سلاطین آن وقت از یک طرف و اغراض علمای نصارا و یهود و امثال ذلک از طرف دیگر سد شد؛ مانع شد از اینکه ایشان بتوانند آن کار را انجام بدهند.^۵

بعد از رحلت حضرت ختمی مرتبت (ص) مسئولیت اصلی حفظ اتحاد دینی و نظام الهی می‌بایست بر عهده جانشین پیامبر (ص) باشد. اما متأسفانه در این دوران، مسئله جانشینی آن حضرت، خود بزرگترین عامل تفرقه میان مسلمانان شد. هر چند حضرت رسول (ص) در آخرین روزهای حیات شریف خویش، جانشین حقیقی خویش را بارها معرفی کرده بودند، اما تلاش‌های منافقان و نفوذ سیاسی ایشان در حیات سیاسی جامعه اسلامی، مانع از ادامه

۱. حدیث نبوی، صحیح ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۶: «دست خدا با جماعت است.»

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۹۹.

۳. «همه یک‌دست در برابر بیگانگان‌اند». بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۱۵.

۴. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۲۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۲.





طبیعی حیات جامعه اسلامی شد. با این حال حضرت علی (ع) که وارث حقیقی این داستان بود هر گونه اقدام جدی را در این دوران، برای بازگرداندن زمام حکومت دینی به دست صاحبان حقیقی آن، باعث تشدید اختلاف میان مسلمانان می‌دانستند. تعامل تحمل‌مدارانه و همراه با پشتیبانی آن حضرت (ص) با خلفای سه‌گانه پیش از خویش، نه تنها زمینه‌ای برای رشد شکوه و عظمت مسلمانان فراهم می‌ساخت، بلکه بیش از آن باعث حفظ انسجام دینی و نظام اسلامی بود.^۱ حضرت علی (ع) پس از رحلت پیامبر خدا (ص) به خاطر حفظ وحدت اسلامی و جلوگیری از کشمکش‌های داخلی، بزرگ‌ترین صبوری و تلخ‌ترین تحمل‌ها را از خود نشان داد.^۲ به فرموده امام خمینی (ره)، «علی بن ابی‌طالب، صلوات الله علیه، نیز اقتدای به آن بزرگوار کرده سیره‌اش سیره رسول‌الله (ص) بود.»^۳ به همین دلیل، ایشان با این که به طور قطع خلافت را حق خود می‌دانست، اما فرمودند:

آن‌گاه که پیامبر (ص) به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با یکدیگر درگیر شدند. سوگند به خدا نه در فکرم می‌گذشت و نه در خاطر می‌آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا (ص) از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن حکومت بازدارند، تنها چیزی که نگرانم کرد رو آوردن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند. من دست باز کشیدم، تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند، پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست، که کالای چند روزه دنیاست و به زودی ایام آن می‌گذرد چنان که سراب ناپدید شود، یا چونان پاره‌های ابر که زود پراکنده می‌گردد. پس در میان آن آشوب و غوغا به پا خاستم تا آن که باطل از میان رفت، و دین استقرار یافته، آرام شد.^۴

نگاه امام علی (ع) به موضوع وحدت، نگاهی راهبردی و اساسی است که از عمق عشق و علاقه ایشان به پیامبر (ص) و تداوم حیات دین و امتش برمی‌خیزد. ایشان تداوم خط اسلام و مسلمانی را به عنوان یک اصل اساسی و مهم، سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داده بود

۱. سعید ارجمندفر، همان، ص ۹۶.

۲. جواد محدثی، *انسجام و وحدت*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۹.

۳. امام خمینی، *شرح چهل حدیث*، همان، ص ۹۶.

۴. *نهج البلاغه*، نامه ۶۲.

پیشبرد نهضت اسلامی بر اساس منطق و عقلانیت باید همراه با تقریب امت اسلامی و وحدت عمومی در جامعه اسلامی باشد و این اجتماع مسلمین است که حراست از جمهوری اسلامی را ممکن می‌سازد

و تا آخرین لحظه از این مهم غفلت نورزیدند.^۱ آن حضرت در تمامی مدت خلافت خلفا بر بیعت خود وفادار بود. خیرخواهی جامعه اسلامی، نصیحت نمودن خلفا، ارایه مشورت صادقانه به آنها، اجازه دادن به اصحاب و یاران خود برای تصدی منصب‌های حکومتی و کمک به خلفا و... همه نشان‌دهنده این است

که حضرت مصالح عامه را بر منافع شخصی مقدم می‌دانستند.^۲ امام خمینی (ره) نیز بر این باورند که حضرت علی (ع)، برای مصالح کلی مسلمانان، مصالح اسلام، حفظ وحدت مسلمانان و حفظ دین پیامبر اکرم (ص)، منافع شخصی خویش را نادیده گرفتند، سختی‌ها را تحمل می‌کردند و در برابر غصب جایگاه خلافت سکوت کردند. ما هم به عنوان پیر و آن بزرگوار باید این گونه عمل کنیم و منافع و مصالح اسلام را بر منافع شخصی خویش ترجیح دهیم:

حضرت امیر در بسیاری از اموری که برایش خیلی سخت بود، دندان روی جگر می‌گذاشت و موافقت می‌کرد برای مصالح کلی، برای مصالح اسلام. ما اگر تبعیت از او داریم باید این‌طور باشیم، اگر یک مقدار هم تبعیت داریم، یک مقداری همین‌طور باشیم.^۳

امام علی (ع) در تشریح اهمیت و جایگاه وحدت، بر این نکته تأکید دارند که تعالیم الهی به وحدت فراخوانده‌اند؛ بن‌مایه و رومایه آنها ندای وحدت سر می‌دهند و در تمامی سطوح آنها، وحدت به عنوان یک اصل محوری مطرح است. دین اسلام خود متحد‌کننده است و با تعالیم وحدت‌انگیزانه خود زمینه هم‌گرایی، همدلی و وحدت مسلمانان را فراهم ساخته است. به واسطه دین خدا، مسلمانان به رغم نداشتن ارتباط نسبی و حسبی با هم برادر و هم‌دل شده‌اند.^۴ علاوه بر روح وحدت‌انگیز تعالیم اسلامی، اصول مشترک بین مسلمانان زمینه وحدت و هم‌گرایی آنها را فراهم ساخته است. ایشان در بیانی این‌گونه می‌فرمایند: «خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی، کتابشان یکی است.»^۵ امام علی (ع) وحدت را نعمت و فیضی از ناحیه خداوند متعال دانسته که به واسطه آن بر مسلمانان منت نهاده است: «همانا

۱. محمد علی مشایخی پور، همان، ص ۳۵.

۲. آیت‌الله محمد علی تسخیری، «گفتاری پیرامون «وحدت اسلامی» و «تقریب مذاهب»»، اندیشه تقریب، ش ۸، ۱۳۸۵، ص ۱۸-۱۷.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

۴. نهج البلاغه، خطبه‌های ۳۹ و ۱۱۳.

۵. همان، خطبه ۱۸.





خدای سبحان بر جماعت این امت، منت گذارده و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است، تا در سایه اش بیارامند و در پناهش بیاسایند.^۱ تعبیر منت الهی درباره وحدت، بیانگر اهمیت بسیار آن است؛ زیرا به اعطای هر نعمت سنگین و گران‌بهایی منت گفته می‌شود، چنان که خداوند متعال از بعثت پیامبر (ص) به عنوان منت یاد کرده است.^۲ حضرت علی (ع) با وجود اختلافات شدید سیاسی و عقیدتی پس از رحلت پیامبر، وضو گرفتن با آب به جای مانده از وضوی جماعت مسلمین را مقدم بر وضو گرفتن با هر آب گوارا و تمیز دیگری می‌داند و بر اهمیت معنوی جمع مسلمانان تأکید می‌کنند.^۳ امیر مؤمنان مردم را به «سواد اعظم» فرا می‌خواند، یعنی توده مردم و جمعیت انبوه، و از جدا شدن از جماعت و جمعیت و ساز جدا زدن نهی می‌کند. ایشان می‌فرمایند:

همیشه همراه با جمعیت‌های بزرگ (و اکثریت طرفدار حق) باشید، چرا که دست حمایت و نصرت الهی با جماعت است و از تفرقه پرهیزید، چرا که افراد تک‌رو طعمه شیطان‌اند.^۴

شیوه امام علی (ع) و تلاش ایشان جهت حفظ وحدت مسلمانان و نزدیکی بین آنها در سیره فرزندان آن حضرت نیز ادامه یافت. ائمه اطهار در سیره و رویه خود، همواره مسلمانان را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کردند. دعای امام چهارم برای اهل ثغور در صحیفه طیبه‌اش و نیز کمک امام باقر به دولت اموی برای تهیه سکه رایج اسلامی گواه این امر است.^۵ امام حسن (ع) می‌فرماید:

من امیدوارم که خیر‌خواه‌ترین مردم باشم... باید آگاهی دهم که اجتماع مسلمانان و جماعت آنان اگر چه مکروه شما باشد، بهتر است از پراکندگی و تفرقه هر چند دودستگی و جبهه‌گیری خواست شما باشد.^۶

امام کاظم (ع) عامل هلاکت جامعه را «فراق‌الجماعه» (فاصله گرفتن و جدایی از جامعه و جماعت) بیان می‌کنند.^۷ در اندیشه حضرت امام (ره)، وحدت و یگانگی مسلمانان تحت لوای

۱. همان، خطبه ۱۹۲.

۲. محمد علی مشایخی پور، همان، ص ۳۶.

۳. سید صادق حسینی، «مدارا با مخالفان مذهبی از دیدگاه فقه اسلامی»، حبل‌المتین، پیش شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، ص ۳۲.

۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۵. آیت‌الله محمد علی تسخیری، همان، ص ۱۸.

۶. قربان علی هادی، «نگرش تطبیقی به وحدت اسلامی و ملی‌گرایی»، اندیشه تقریب، س ۶، ش ۲۱، زمستان ۱۳۸۸، ص ۸۳.

۷. مرتضی داوودپور، «نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی و وظایف دولت زمینه‌ساز»، مشرق موعود، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۸.

اسلام ریشه در سیره و روش ائمه مسلمانان نیز دارد. امامان معصوم در طول عمر پربرکت خویش همواره در جهت وحدت و اجتماع فرقه‌های مختلف مسلمین تلاش می‌کردند. به تعبیر ایشان:

عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و همه ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین تفاهم کنند و این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم سفارش کرده است. و پیغمبر اکرم (ص) سفارش فرموده است و ائمه مسلمین سفارش فرموده‌اند و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.^۱

از این رو حضرت امام معتقدند که اگر سیره امامان معصوم الگوی حکومت و ملت‌های مختلف قرار بگیرد و به آن عمل شود، دشمنی‌ها و اختلافات از بین می‌رود، زیرا حفظ وحدت بین انسان‌ها و نزدیکی بین فرقه‌های مذهبی از اصلی‌ترین ارکان سیره امامان معصوم (ع) است: اگر حکومت‌ها و ملت‌ها به سیره رسول اکرم و ائمه مسلمین عمل می‌کردند، آرامش در همه جای ارض بود؛ این اختلافات و خونریزی‌ها نبود.^۲

۵. عقل

عقل به عنوان پیامبر درون و یکی از منابع مهم معرفت، همواره بر همدلی و هم‌گرایی، تفاهم، محبت و اتحاد مقابل دشمنان باطل و ظالم حکم می‌کند، زیرا از دیدگاه عقل دفع ضرر محتمل واجب است. اختلاف، عداوت و تفرقه بین مجموعه‌ای که خودی شمرده می‌شوند، خطر شکست و زیان دنیوی و اخروی در پی داشته، موجودیت آنها را تهدید می‌کند؛ از این رو، عقل سلیم برای حفظ منافع و مصالح مادی و معنوی بر حق، به اتحاد و اتفاق در برابر دشمن بدخواه و باطل حکم می‌کند. هر انسان عاقلی بر اساس تجربه تاریخی و سیر عقلای آزاداندیش درمی‌یابد که همبستگی، هم‌سویی و همکاری در سایه وحدت و همدلی باعث تقویت قدرت و پیشرفت مادی و معنوی آنان شده، فواید و ثمرات بسیاری به دنبال دارد؛ و اختلاف، تفرقه، جنگ و عداوت موجب ضعف و نابودی قوای مادی و معنوی آنان گشته، پیامدهای منفی و ضررهای جبران‌ناپذیری در پی دارد و اساس جامعه را تهدید می‌کند. سیره عملی همه عقلای عالم بر قبح تفرقه و دشمنی‌های غیر معقول و مبتنی بر هوا و هوس بوده است

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۸.

۲. همان، ج ۷، ص ۱۱۸.



در بیانات امام خمینی (ره) جهان اسلام دارای دشمنان متعددی است که همه آنها - به رغم اختلافات احیاناً شدیدی که دارند - در تخریب و تضعیف دولت‌ها و ملت‌های اسلامی وحدت نظر دارند و در راستای نیل به این هدف، از هیچ کوشش و توطئه‌ای فروگذار نمی‌کنند

و ضمن تأیید حُسن وحدت مبتنی بر حق، بر آن تأکید کرده‌اند. از این رو، مراعات و حفظ وحدت بر اساس مشترکات و هویت ملی، دینی و انسانی که فواید دینی و اخروی دارد، عقلاً واجب است.^۱ در تمامی ادوار فقه شیعه اعم از دوره حضور و دوره غیبت که خود شامل ادوار مختلف است، عقل در فقه شیعه حضور دارد.^۲ عقل نیروی فطری و طبیعی در وجود بشر است که با آن صحیح را از غلط، حق را از باطل و هدایت را از ضلالت تشخیص می‌دهد و بر اساس مختار بودن، اراده می‌کند و تصمیم می‌گیرد. به اقتضای عقل فطری یا بدیهی، وحدت و اتحاد یک ضرورت حیاتی و انسانی است و مفید برای ادامه حیات او. بدین معنا که بقا و پیشرفت سالم بشر، جز با وحدت و هم‌دلی و تعاون و همکاری برای تحقق اهداف جمعی میسر نیست.^۳ امام خمینی (ره) از این امر به عنوان اقتضای عقل و خرد انسانی یاد کرده و خود به صراحت در بیانات خویش به این مسئله این‌گونه اشاره کرده است:

باید عقل را پیشوای خودتان قرار بدهید و اسلام را مقتدای خودتان قرار بدهید و در مقابل اسلام همه خاضع باشید و به حکم عقل عمل کنید و عقل و اسلام می‌گوید شما با هم متحد باشید و اگر متحد باشید هیچ کشوری به شما نمی‌تواند تعدی کند.^۴

مفهوم عقل در این سخنان، همان عقل فطری انسانی است که در همگان کم و بیش وجود دارد؛ یعنی قدرت تمیز و تشخیص حق از باطل و صحیح از غلط و انتخاب صحیح که عموم مردم آن را دارند. به طور کلی منظور حضرت امام از اقتضای عقل فطری این است که هر انسانی به دلیل برخوردار بودن از نیروی فهم و اندیشه خویش یا همان عقل، عاقلانه و بر مبنای عقلانیت و تشخیص صحیح و منطقی فایده متوقع عمل می‌کند. انسان، موجودی است عاقل و دارای فهم، و هر دارای فهمی این موضوع را درک می‌کند و می‌فهمد که تحقق و انجام امور جمعی و مشترک جز با وحدت و اتحاد میسر نیست و پیشبرد امور تنها در سایه اتحاد و

۱. دادخدا خدایار، همان، ص ۱۲۴.

۲. سید غلام حسین عابدی، «عقل»، به عنوان منبع استنباط احکام شرعی، اندیشه تقریب، س ۷، ش ۲۸، پاییز ۱۳۹۰، ص ۶۵.

۳. محمد حسین جمشیدی، «تبیین الزامات سیاسی - عقلانی وحدت ملی در اندیشه امام خمینی (ره)»، پژوهش سیاست نظری، ش ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۳۶.

۴. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۵۳-۴۵۲.

همبستگی صورت می‌گیرد.^۱ لاجرم، در گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) وحدت و همبستگی برای حفظ و بقای یک جامعه و پیشرفت و تکامل آن امری عقلی است.^۲ برخی ادله عقلی تقریب و وحدت در اندیشه امام خمینی (ره) به قرار زیر است:

الف. استمرار نهضت اسلامی در سایه تقریب

هر حرکت و هر ارزشی برای اینکه باقی و پایدار بماند، نیازمند همبستگی و وحدت پیروان و طرفدارانش است. برای مثال، تجارب صدساله اخیر ملت ایران، این موضوع را ثابت کرده است که حفظ و تداوم هر حرکتی، نیاز به وحدت بنیان‌گذاران، منادیان و ادامه‌دهندگان راه آن حرکت و مکتب دارد. یکی از مهم‌ترین علل شکست انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت ایران، ... و تفرقه و جدایی قشرهای گوناگونی بود که در تحقق آن نقش داشتند.^۳ به همین خاطر در انقلاب اسلامی، ملت ایران از وقایع گذشته درس گرفتند و برای سرنگونی رژیم پهلوی و پیروزی نهضت اسلامی با یکدیگر متحد شدند و اختلافات را کنار گذاشتند. از دیدگاه حضرت امام (ره) رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران وحدت بین تمامی قشرهای جامعه بود: «ملت ایران با وحدت کلمه و اتکال به اسلام نهضت را پیش بردند».^۴

از نظر امام خمینی (ره) با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران یا با فتح مکه و تحقق دعوت پیامبر در صدر اسلام در سرتاسر شبه‌جزیره عربستان، کار مبارزه و قیام در راه حق تمام نشده است. بنابراین پس از پیروزی، وحدت و تقریب ضروری‌تر است و این راه عقل سلیمی به راحتی تشخیص می‌دهد. هم به پیروزی رساندن حرکت و نهضت، نیاز به وحدت و انسجام دارد و هم حفظ و تداوم آن. ولی آنچه وحدت و انسجام را ضروری‌تر می‌سازد، حفظ و تداوم انقلاب و استمرار راه و قیام است که خود فایده‌ای متوقع بر مبنای عقلانیت است.^۵ بر همین مبناست که حضرت امام برای تداوم نهضت اسلامی که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بر حفظ وحدت و نزدیکی فرقه‌های مذهبی به یکدیگر تأکید می‌کنند:

همان‌طوری که این نهضت را با وحدت کلمه و وحدت مقصد که همه مقصدشان اسلام بود، همه با هم فریاد اسلام می‌زدند، حالا هم همان را حفظ بکنند؛ اجتماعات خودشان را حفظ بکنند.^۶

۱. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۳۷.

۲. سید حسن قریشی کرین و دیگران، همان، ص ۹۴.

۳. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۴۳.

۴. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۰۱.

۵. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۴۴.

۶. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۶۱.





بر اساس بیان تاریخ، امام علی (ع) از همین قاعده عقلی استفاده کرد و برای حفظ نهضت اسلامی پیامبر (ص)، سرانجام از حق خود گذشت و برای حفظ و تداوم انقلاب پیامبر (ص) حتی مجبور به بیعت با خلفا شد. ایشان بارها دلیل بیعت خود را حفظ اتحاد امت اسلامی در برابر مشرکین و کفار یاد کردند.^۱

ب. هدف واحد؛ حفظ نظام سیاسی

دفاع از حیثیت و کیان جمهوری اسلامی و نظام سیاسی منبعث از آن در اندیشه امام خمینی (ره) بسیار حائز اهمیت است تا جایی که ایشان حفظ نظام اسلامی را به عنوان هدف عمومی و جامع در بین مردم معرفی می‌کنند:

برادران و خواهران مذاهب گوناگون، همه دست در دست یکدیگر بگذارند و از حیثیت و کیان اسلام و جمهوری اسلامی دفاع کنند.^۲

ایشان اعتقاد دارند که موفقیت و کارآمدی نظام سیاسی در گرو وحدت کلمه و تقریب میان گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه است و به همین دلیل وحدت امری عقلی است و جمهوری اسلامی ایران برای افزایش و ارتقای توانمندی خود باید عنصر وحدت و تقریب را سرلوحه خویش قرار دهد:

در یافتید که با وحدت کلمه و وحدت غرض و هدف و آن ایمان و هدف اسلام، هدف جمهوری اسلامی، در یافتید که این رمز شما را به پیروزی رساند.^۳

ایشان در جایی دیگر بیان می‌دارند:

رمز پیروزی ایران همین بود؛ اتکال به خدا، برای خدا و وحدت کلمه، وحدت کلمه و وحدت غرض و مقصد. از هر کس می‌پرسیدند، مقصد این بود که حکومت اسلام باشد. مقدمه این بود که حکومت طاغوت نباشد؛ مقصد این بود که استقلال و آزادی در پناه حکومت اسلامی باشد.^۴

تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که فراموش کردن ریشه‌های نفاق، تفرقه و کینه‌های سیاسی منجر به وحدت کامل و تقویت نظام سیاسی می‌شود:

در این نهضت که ملت ما پیروز شد، برای این بود که این اختلافات یک

۱. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۴۴.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۴۴.

۳. همان، ج ۶، ص ۳۵۱.

۴. همان، ص ۳۳۷.

قدری منسی،^۱ همه توجه به یک مطلب پیدا کردند که باید یک جمهوری اسلامی یک حکومت اسلامی باشد.^۲

با توجه به توضیحات فوق‌الذکر، تقریب و وحدت در راستای حفظ نظام اسلامی باید حول محور انگیزه و مقاصد الهی باشد. اگر نیت‌ها، اعمال و کنش‌های مردم و دولت مبتنی بر مقاصد عالی اسلام باشد، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران حفظ خواهد شد:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.^۳

بنابراین، تحقق بخشی به حفظ جمهوری اسلامی ایران در پرتو وحدت نیز امری عقلی و تکلیفی شرعی است. امام خمینی (ره) در باب حکم عقل پیرامون حفظ جمهوری اسلامی و نهضت اسلامی بیان می‌کنند:

عقل اقتضا می‌کند که دیگر ما آنهایی که متعهد هستند به اسلام و متعهد هستند به جمهوری اسلامی و می‌خواهند در زیر بار ابرقدرت‌ها دیگر نباشند، اینها دیگر با هم باشند.^۴

ایشان در جایی دیگر تأکید می‌کنند به اقتضای عقل سیاسی در اسلام، باید از اختلافات و دودستگی‌ها پرهیز شود و با حفظ آرامش، ثبات و امنیت پایدار در جامعه اسلامی و ایرانی، مسیر تحقق اهداف متعالی هموار و مستحکم شود. به تعبیری دیگر:

عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز با آن اشخاصی که در رویه هم حتی با ما مخالفت دارند، لکن در اصل مقصد با ما موافق‌اند، با ملت موافق‌اند، مسیرشان مسیر ملت است؛ عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز دست از تمام این اختلافات برداریم، تا این مملکت را آرام کنیم و این مقصد اصلی که ما داریم، و آن اینکه اسلام در این مملکت پیاده بشود و جمهوری اسلامی با محتوای حقیقی خودش در اینجا پیاده بشود، موفق بشویم ان شاء الله.^۵

۱. فراموش شده، به نسیان سپرده شده.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۵۵.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۴۰۴.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۴۰۸.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۲.



وحدت و تقریب برای هدف مشترک، یعنی حراست از کیان جمهوری اسلامی و نهضت اسلامی در ایران صرفاً به مرزهای ملی محدود نمی‌شود، بلکه امام خمینی (ره) از همه ملت‌های آزاد و مسلمانان شرق و غرب می‌خواهند با وحدت خویش به مقابله با دشمنان اسلام بپردازند و تقریب را امری جهانی و فراملی می‌دانند که محدود به حدود و ثغور جغرافیایی نیست:

ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می‌خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم‌صدا و هم‌جهت شده و با یاری خداوند متعال شر جنایتکاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچینند.^۱

پ. دشمن مشترک

یکی از مواردی که از لحاظ عقلانی، ضرورت وحدت و همبستگی را در جامعه ایجاد می‌کند، وجود «دشمن مشترک» است. بدین معنا که هر گاه چند گروه در یک جامعه یا چند ملت یا چند قوم و یا یک امت، دشمن مشترک داشته باشند، عقلانیت و خردمندی ایجاد می‌کند که دست به دست هم بدهند تا بتوانند در برابر دشمن مشترک ایستادگی کنند. در غیر این صورت یعنی زمانی که از یکدیگر جدا باشند، دشمن می‌تواند به راحتی بر یکایک آنها غلبه کند.^۲ امام خمینی (ره) این موضوع را بارها مورد عنایت و توجه قرار داده است: توجه به دشمنان مشترک که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را نشانه رفته‌اند، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می‌تواند باشد که در برابر آنان همچون بنیانی مرصوص و در صفی واحد استوار بایستند.^۳

امروزه کشورهای اسلامی، از سوی سلطه‌جویان و غارت‌کنندگان جهانی، مورد شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین حمله‌ها قرار دارند، متجاوزان استثمارگر، چشم طمع به سرزمین‌های غنی و گران‌قیمت مسلمانان دوخته و برای چپاول و غارت مخازن عظیم زیرزمینی و روزمینی این کشورها، از هیچ جنایت و توطئه‌ای فروگذار نمی‌کنند؛ همواره در تلاش‌اند با انواع حیل‌ها و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف، بر غارت خود تداوم بخشند. این، مصیبتی عظیم است که مسلمانان عالم به حکم قرآن کریم که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۲.

۲. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۴۴.

۳. شعله‌ظہیری، «تقریب عملی مذاهب اسلامی، ضرورت‌ها و راهکارها»، حبل‌المتین، ش ۵، س ۲، زمستان ۱۳۹۲، ص ۸۹.

توجه به دشمنان مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را نشانه رفته‌اند، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می‌تواند باشد که در برابر آنان همچون بنیانی مرصوص و در صافی واحد استوار بایستند

قُوّه»^۱ وظیفه دارند برای آن چاره‌جویی کرده و با هماهنگی و اتخاذ تصمیمات مشترک از جنگال پلید چنین قدرت‌های فزون‌طلب و متجاوز، رها شوند.^۲ حضرت امام بر این باورند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان اصلی و مشترک مسلمانان امریکا و اسرائیل است. از این رو برای مقابله با این دشمنان مشترک از تمام گروه‌ها

می‌خواهد که با هم متحد شوند و معتقدند که جدایی مسلمانان به نفع دشمنان است:

الان در رأس همه مسائل اسلام این قضیه مواجهه با امریکاست. اگر بخواهید قدرت‌ها را جدا کنیم از هم، بخواهیم از هم جدا کنیم، قوا از هم منفصل بشود، کشیده بشود از این طرف و از آن طرف، اینها همه‌اش به نفع امریکا تمام می‌شود... امروز فقط یک مطلب است، و آن اینکه الان دشمن ما امریکاست. و باید تمام تجهیزات ما طرف این دشمن باشد. نبادا یک وقتی یک تبلیغات سوئی بشود. و یک چیزهایی بشود که اسباب این بشود که نظرهای ما تشتت پیدا کند.^۳

من همواره مُصراً خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند و بر ضد دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند.^۴

خواهران و برادران هم‌میهن در سراسر کشور! من دست خود را پیش شما دراز می‌کنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور، عاجزانه می‌خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان به کار برید؛ و اسلحه‌های سرد و گرم - یعنی قلم و بیان و مسلسل - را از نشانه‌گیری به روی یکدیگر منحرف، و به سوی دشمن‌های انسانیت - که در رأس آن امریکاست - نشانه روید.^۵ با این اوصاف، در بیانات امام خمینی (ره) جهان اسلام دارای دشمنان متعددی است که همه آنها - به رغم اختلافات احیاناً شدیدی که دارند - در تخریب و تضعیف دولت‌ها و

۱. سوره انفال، آیه ۶۰.

۲. صالحی، «نقش حج در تقرب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان از دیدگاه امام خمینی»، میقات حج، ۱۳۷۸، ش ۳.

۳. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۷۴.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۵۷.



ملت‌های اسلامی وحدت نظر دارند و در راستای نیل به این هدف، از هیچ کوشش و توطئه‌ای فروگذار نمی‌کنند. در این شرایط اگر مراکز تأثیرگذار جوامع اسلامی و دولت‌ها بخواهند در برابر این قدرت‌ها، ایستادگی کنند، راهی جز انسجام و وحدت و برقراری رابطه و تعامل مؤثر با یکدیگر نخواهند داشت. بر اساس منشور سازمان کنفرانس اسلامی از جمله اهداف تشکیل آن، ایجاد همین انسجام و هم‌گرایی بین اعضای آن است.^۱ یکی از دشمنان که سازمان کنفرانس اسلامی باید به آن توجه داشته باشد، اسرائیل است و در کلام امام (ره) آمده است: قبلاً هم تذکر داده‌ام که دولت غاصب اسرائیل، با هدف‌هایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان‌پذیر نشود.^۲

ایشان هشدار می‌دهند که:

برادران و خواهران باید بدانند که امریکا و اسرائیل با اساس اسلام دشمن‌اند؛ چراکه اسلام و کتاب و سنت را خار راه خود و مانع از چپاولگری‌شان می‌دانند؛ چراکه ایران با پیروی از همین کتاب و سنت بود که در مقابل آنان به پا خاست و انقلاب نمود و پیروز شد.^۳

دشمنان اسلام و مسلمانان از هر فرصتی و به هر طریق ممکن، تلاش می‌کنند به مسلمانان ضربه زده و آنها را از جایگاه شایسته خود به زیر کشند و بر آنها مسلط شوند و منافع آنها را به یغما برند. مشاهده موارد متعدد دشمن‌ورزی دشمنان در ادوار مختلف تاریخ جامعه اسلامی، خود گویای این دشمنی‌ها و تداوم آنها است. دشمنان برای اینکه بتوانند بهتر و زودتر به اهداف شوم خود دست یابند، به دنبال شناسایی نقاط عزت‌آفرین مسلمانان برآمده و به خوبی فهمیده‌اند آنچه این مهم را تحقق بخشیده، وحدت کلمه حول محور اسلام است. از این رو، بیشتر اقدامات گذشته، حال و آینده دشمنان اسلام حول محور وحدت‌زدایی و ایجاد تفرقه و تشتت بین مسلمانان متمرکز شده است.^۴ با توجه به همین مطلب است که حضرت امام (ره)، سخت معتقد به وحدت امت اسلام در مقابل استعمارگران و دشمنان اسلام بودند^۵

۱. محمد امامی و محمدشمس‌الدین دیانی تیلکی، «بررسی مبانی هم‌گرایی اقتصادی جهان اسلام در قرآن و حدیث»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، س ۱۲، ش ۴۴، تابستان ۱۳۹۵، ص ۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۹۴.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۸.

۴. محمدعلی مشایخی‌پور، همان، ص ۳۹.

۵. سید حسن قریشی کرین و دیگران، همان، ص ۹۶.

و می فرمودند به اقتضای حکم عقل، امت اسلامی باید در برابر دشمنان مشترک اسلام متحد باشند:

باید توجه داشت که باید با هم باشیم و در مقابل آنها محکم بایستیم. و با خودمان رؤوف باشیم و در مقابل دشمنانمان سرسخت. این را عقل اقتضا می کند که وقتی عده‌ای مخالف داریم، خودمان مخالفانمان را کنار بگذاریم.^۱ عقل ما و دیانت ما و اسلام و همه چیز اقتضا می کند که حالا وقتی بنا شد که همه ما با ما بدند، با هم خوب بشویم، طرفدار هم باشیم.^۲ پیشبرد نهضت اسلامی بر اساس منطق و عقلانیت باید همراه با تقریب امت اسلامی و وحدت عمومی در جامعه اسلامی باشد و این اجتماع مسلمین است که حراست از جمهوری اسلامی را ممکن می سازد:

یک مسئله عقلایی است که شما وقتی که همه تان مسلمان هستید، همه تان بنا دارید که این نهضت ان شاء الله اسلامی پیش برود، اکثریت با شماست، یعنی یک اکثریت قاطع با شماست، لکن اختلافات اسباب این نشود که حتی اختلاف با هم داشته باشید در مقابل آنها، اگر متحد در مقابل آن تویی که دشمن اصل انقلاب و دشمن اصل اسلام است، در مقابل آنها مجتمع باشید، آنها هیچ کاری از آنها دیگر بر نمی آید.^۳

اگر ملت مسلمان با یکدیگر در برابر دشمنان واحد خود قیام و ایستادگی نمایند، دشمن نمی تواند به رسالت و اهداف نهضت اسلامی خدشه‌ای وارد آورد: «چنانچه ملت با هم قیام کنند در مقابل تمام قدرت‌های عالم، قدرت‌های عالم به خودشان اجازه نمی دهند که با یک همچو ملتی مقابله کنند.»^۴ بنابراین، «این مقتضای عقل است که انسان، کسی که بخواهد به تیره‌های او حمله بکند، او را دفعش بکند؛ خودش هم اگر اختلاف دارد بعد حساب خودش را صاف بکنند.»^۵ از این رو، «مسلمین باید دید واحده باشند بر ضد همه ستمگران.»^۶ علت این تأکید امام خمینی (ره) بر تقریب امت اسلامی این است که دشمنان اسلام در شرق و غرب خواهان نابودی ارزش‌های مترقی الهی هستند:

۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۲۲۶.

۳. همان، ج ۹، ص ۵۴۵.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۸۶.

۵. همان، ج ۱۹، ص ۴۰۸.

۶. همان، ج ۹، ص ۵۴۶.





مسئله اصلی برای جهانخواران شرق و غرب، اسلام است که می‌تواند مسلمانان جهان را تحت پرچم پرافتخار توحید مجتمع و دست جنایتکاران را از کشورهای اسلامی و از سلطه بر مستضعفان جهان کوتاه و مکتب ارزشمند و مترقی الهی را بر جهان عرضه نماید.^۱

حضرت امام (ره) معتقد هستند دشمنان مشترک جهان اسلام از طریق عمال خود و رسانه‌های گروهی و تبلیغات، قصد تفرقه افکندن بین مسلمانان را دارند، تا از این طریق ذخایر غنی کشورهای اسلامی را غارت کنند، از پیشرفت کشورهای اسلامی جلوگیری کنند و حکومت‌های کشورهای اسلامی را به خدمت خود در آورند.^۲

همه طوایفی که در ایران هستند با هم اخوت داشته باشند، توجه کنند به اینکه الان کسانی که مخالف با اسلام هستند و دارند پخش می‌کنند مطالبی را، می‌خواهند بین برادرهای شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند. اینها نه خیر خواه شیعه هستند، نه خیر خواه سنی، و اینها با اسلام مخالف‌اند. بیدار باشند همه برادرها، با هم باشند. دشمن مشترک ما داریم، به این دشمن مشترک باید ما با هم حمله کنیم و آنها را نگذاریم که خدای نخواست، در صفوف ما یک رخوتی ایجاد بشود و یک اختلافی ایجاد بشود.^۳

بر اساس امور عقلی، حفظ وحدت و پرهیز از اختلاف در برابر دشمن مشترک بیرونی ضروری و لازم است.

ت. تقریب پیش شرط سازندگی و آبادانی کشور

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه جامعه در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ترمیم خرابی‌ها و آبادی سرزمین‌ها، که خود فایده‌ای عمومی و متوقع است، همبستگی و یکرنگی و وحدت است. امام علی (ع) در این مورد می‌فرماید: «امت‌های پیشین مادامی که با هم اتحاد و وحدت داشتند، در حال پیشرفت و شکوفایی بودند، و به عزت و اقتدار دست یافتند، خلافت و وراثت در زمین را به دست آوردند و رهبر و زمامدار جهان شدند.»^۴ در همین راستا، امام خمینی (ره) می‌فرماید: «همه با هم باید این سازندگی را بکنیم.»^۵

در اندیشه امام خمینی (ره) به همین منوال، در جایی که اختلافات اصولی بین قشرهای جامعه وجود دارد، امنیت لازم برای رشد و سازندگی نیست و در نتیجه حرکت به سوی

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۱.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۳۴۰.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۴۹۹.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۵.

۵. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۲۳.

توسعه ناممکن است؛ زیرا اختلاف و تفرقه و چنددستگی به تقابل بخش‌های گوناگون جامعه و خنثی‌سازی نیروهای سازنده اجتماعی توسط یکدیگر منجر می‌شود.^۱ امام (ره) در اثبات ارتباط بین توسعه و وحدت، به بررسی اوضاع موجود پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و وحدت را شرط ترمیم خرابی‌های دوران حکومت پهلوی می‌داند:

اولین قدمی که ما باید برداریم ترمیم این خرابی‌هایی است که به وسیله شاه که از عمال خارجی بود حاصل شده است؛ و این میسر نیست الا به کمک کردن جمیع طبقات. من از جمیع طبقات ملت با کمال تواضع تقاضا دارم که در این مشروع اسلامی و در این مشروع ملی همه با هم کمک کنند، همه دست به دست هم بدهند، اختلافات را کنار بگذارند، و همه با هم - با صدای واحد، باید واحد - قیام کنند؛ قیام به امر مهمی که نجات دادن کشور است.^۲ تعالی و رشد کشور نیازمند اتحاد عمومی و تقریب تمامی گروه‌ها و قشرهای دینی و مذهبی است: همان طوری که برای برانداختن این نسل دودمان پهلوی از این زمین همه شرکت کردید و اگر همه نبودید نمی‌شد، برای ساختن ایران، که الان کار بسیار مشکلی است، همه باید کمک بکنید. همه باید با هم دست به هم بدهید و با هم کار بکنید... با هم صف واحد: بُنیان مَرصُوص. ^۳ همه با هم باشیم تا بتوانیم کار را به انجام برسانیم.^۴

حضرت امام (ره) به ساختن ایران با همدستی، تقریب مذاهب و اتحاد اعتقاد دارند:

امروز روزی است که همه مسلمین مکلف‌اند از طرف خدای تبارک و تعالی به اینکه همه با هم دست برادری به هم بدهند و این خرابه را آباد کنند. اختلافات الان سم فاتلی است که اگر چنانچه خدای نخواستہ اختلاف پیدا بشود، باز برمی‌گردد به آن دوره جنایات به فرم دیگر. آنهایی که علاقه به اسلام دارند، آنهایی که علاقه به ملت اسلام دارند، آنهایی که علاقه به کشور دارند، اینها همه موظف‌اند که در این زمان، که بالاتر و حساس‌تر زمان هاست که بر ایران می‌گذرد، همه با هم برادر باشند، و همه با هم دست به هم بدهند و این خرابه‌ای که اینها گذاشته‌اند، این خرابه را از سر، همه مان با هم بنا کنیم.^۵

۱. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۴۵.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۸۴.

۳. اقتباس از آیه ۴، سوره صف: «سد و ساختمانی آهنین».

۴. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۴۰.

۵. همان، ج ۶، ص ۲۲۳.



تقریب و اتحاد مسلمین نه تنها آبادانی و رستگاری جامعه را به همراه دارد، بلکه تعالی و رشد دینی و معنوی حکومت و جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت.

جمع‌بندی

بررسی‌های اجمالی این مقاله نشان می‌دهد که به اعتقاد امام (ره)، قرآن کریم در آیه‌های مختلف، بشریت را به صلح و آرامش دعوت می‌کند و به صورت مؤکد، مسلمین را از تفرقه و اختلاف برحذر می‌دارد و تمامی جهان اسلام را به «اعتصام به حبل‌الله» دعوت می‌نماید تا از سستی و رخوت در جهان اسلام جلوگیری کند. رعایت وحدت و تقریب بر اساس فرامین قرآن، توسل به حبل‌الله به عنوان محور وحدت، مخالفت با نژادپرستی، اصل عدم سلطه کفار بر مسلمانان (نفی سلطه بیگانه)، اصل برادری مؤمنین، منع تنازع بین مسلمین و کارگزاران جهان اسلام، اصل دفاع از مسلمین و غیره، برخی از اصول قرآنی است که امام خمینی (ره) آنها را مرتبط با تقریب مذاهب اسلامی می‌داند. تقریب مذاهب و وحدت هم با رجوع به سیره معصومین (ع)، هم با توجه به فطرت انسانی و مبانی شرعی و هم به حکم عقل از مهمترین مبادی و مبانی‌ای است که امام خمینی از آنها برای نزدیکی مذاهب اسلامی و مسلمین بهره می‌گیرد و این وحدت را اساس حفظ، تداوم و استمرار نهضت اسلامی، دفاع از کیان و تمامیت اسلام و جمهوری اسلامی، مقاومت در مقابل دشمن مشترک برای مسلمانان و جهان اسلام، پیش شرط سازندگی و آبادانی کشور و مایه عزت و سربلندی و پیشرفت مسلمین و جهان اسلام می‌داند.

